
البینه
قرآن مجید
به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر
به زبان های زنده دنیا
آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۹۸. سوره البینه

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره البینه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

لَمْ یَکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ (۱)

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ یَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَهً (۲)

فِیها کُتُبٌ قَیِّمَهٌ (۳)

وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ (۴)

وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ حُنَفاءَ وَ یُقِیمُوا الصَّلاهَ وَ یُؤْتُوا الزَّکاهَ وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ (۵)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ فِی نارِ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ (۶)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ (۷)

جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِینَ فِیها أَبَداً رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ (۸)

آشنایی با سوره

۹۸- بینه [دلیل روشن و حجت آشکار]

این سوره، بیانگر رسالت عام پیامبر نسبت به همه مشرکین و یهود و نصاری است و دعوت او را از همه بشریت به آئین حق باز می گوید و صلاح جامعه انسانی را در سایه اعتقاد و عمل می داند. گرایش مشرکین و اهل کتاب را به ایمان توحیدی، در سایه آمدن «بینه می داند و خود محمد (ص) نمونه و مصداقی از این حجت آشکار برای اندیشه ها و پیروان ادیان دیگر است (امام باقر فرموده است: البینه محمد رسول الله «ص (المیزان ج ۲۰ ص ۴۸۲) به نقل از تفسیر القمی.) به نام «لم یکن هم مشهور

است و این نـام از آغاز سوره اقتباس شـده است. از نام های دیگر این سوره «اهل الکتاب «قیامت ، «بریه و «انفکاک است. بعد از سوره طلاق نازل شده و از سوره های

مدنی است و ۸ آیه دارد.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِیمِ} نعت تابع

{لَمْ} حرف جزم {یَکُنِ} فعل مضارع، مجزوم به سکون {الَّذِینَ} اسم کانَ، مرفوع یا در محل رفع {کَفَرُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مِنْ} حرف جر {أَهْلِ} اسم مجرور یا در محل جر {الْکِتابِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَالْمُشْرِکِینَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {مُنْفَکِّینَ} خبر کان، منصوب یا در محل نصب {حَتَّی} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {تَأْتِیَهُمُ} فعل مضارع، منصوب به فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {الْبَیِّنَهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{رَسُولٌ} بدل تابع {مِنَ} حرف جر {اللَّهِ} اسم مجرور یا در محل جر {یَتْلُوا} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {صُحُفاً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {مُطَهَّرَهً} نعت تابع

{فِیها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدّم محذوف {کُتُبٌ} مبتدا مؤخّر {قَیِّمَهٌ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{وَما} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {تَفَرَّقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {الَّذِینَ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {أُوتُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع، نائب فاعل {الْکِتابَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {إِلَّا} حرف استثنا {مِنْ} حرف جر {بَعْدِ} اسم مجرور یا در محل جر

{ما} حرف مصدری {جاءَتْهُمُ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {الْبَيِّنَةُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{وَما} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {أُمِرُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع، نائب فاعل {إِلَّا} حرف استثنا {لِيَعْبُدُوا} (ل) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {اللَّهَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {مُخْلِصِينَ} حال، منصوب {لَهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الدِّينَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {حُنَفاءَ} حال، منصوب {وَيُقِيمُوا} (و) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الصَّلاةَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَيُؤْتُوا} (و) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الزَّكاةَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَذلِكَ} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {دِينُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الْقَيِّمَةِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {الَّذِينَ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {كَفَرُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مِنْ} حرف جر {أَهْلِ} اسم مجرور یا در محل جر {الْكِتابِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَالْمُشْرِكِينَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {فِي} حرف جر {نارِ} اسم مجرور یا در محل جر

{جَهَنَّمَ} مضـاف اليه، مجرور يا در محل جر / خبر إنَّ محـذوف {خالِـدِينَ} حال، منصوب {فِيها} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور {أُولئِـكَ} مبتـدا، مرفوع يـا در محـل رفع {هُمْ} ضـمير فصـل بـدون محل {شَـرُّ} خبر، مرفوع يا در محل رفع {الْبَرِيَّهِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر

{إِنَّ} حرف مشـبه بالفعل يا حرف نفی ناسخ {الَّذِينَ} اسم إنّ، منصوب يا در محل نصب {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضـمير متصل در محل رفع و فاعل {وَعَمِلُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضـی، مبنی بر ضمه / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعـل {الصَّالِحـاتِ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {أُولئِكَ} مبتـدا، مرفوع يا در محل رفع {هُمْ} ضـمير فصل بـدون محل {خَيْرُ} خبر، مرفوع يا در محل رفع {الْبَرِيَّهِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر / خبر إنَّ محذوف

{جَزاؤُهُمْ} مبتدا، مرفوع يا در محل رفع / (ه) ضـمير متصل در محل جر، مضاف اليه {عِنْدَ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {رَبِّهِمْ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر / (ه) ضمير متصل در محل جر، مضاف اليه {جَنَّاتُ} خبر، مرفوع يا در محـل رفع {عَـدْنٍ} مضـاف اليه، مجرور يا در محل جر {تَجْرِی} فعل مضارع، مرفوع به ضـمه ظاهری يا تقـديری {مِنْ} حرف جر {تَحْتِهَـا} اسم مجرور يـا در محـل جر / (ه) ضـمير متصـل در محـل جر، مضاف اليه {الْأَنْهارُ} فاعل، مرفوع يا در محل رفع {خالِـدِينَ} حـال، منصوب {فِيهـا} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور {أَبَـداً} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصـب {رَضِیَ} فعل

ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {عَنْهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَرَضُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {عَنْهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {ذلِكَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {لِمَنْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {خَشِيَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {رَبَّهُ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Lam yakuni allatheena kafaroo min ahli alkitabi waalmushrikeena munfakkeena hatta ta/tiyahumu albayyinatu.۱

Rasoolun mina Allahi yatloo suhufan mutahharatan.۲

Feeha kutubun qayyimatun.۳

Wama tafarraqa allatheena ootoo alkitaba illa min baAAdi ma jaat-humu albayyinatu.۴

Wama omiroo illa liyaAAbudoo Allaha mukhliseena lahu alddeena hunafaa wayuqeemoo alssalata wayu/too alzzakata wathalika deenu alqayyimati.۵

Inna allatheena kafaroo min ahli alkitabi waalmushrikeena fee nari jahannama khalideena feeha ola-ika hum sharru albariyyati.۶

Inna allatheena amanoo waAAamiloo alssalihati ola-ika hum khayru albariyyati.۷

Jazaohum AAinda rabbihim jannatu AAadnin tajree min tahtiha al-anharu khalideena feeha abadan radiya Allahu AAanhum waradoo AAanhu thalika liman khashiya rabbahu.۸

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

کافران اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید: (۱)

فرستاده ای از جانب خدا که [بر آنان صحیفه هایی پاک را تلاوت کند، (۲)

که در آنها نوشته های استوار است. (۳)

و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد. (۴)

و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند، و نماز برپا دارند و زکات بدهند، و دین [ثابت و] پایدار همین است. (۵)

کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می مانند؛ اینانند که بدترین آفریدگانند. (۶)

در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند. (۷)

پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان آن، نهرها روان است، جاودانه در آن «همی» مانند؛ خدا از آنان خشنود است

و [آنان نیز] از او خشنود، این [پاداش برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (۸)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» کافران از اهل کتاب و مشرکان [می گفتند:] دست از آیین خود برنمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید،

«۲» پیامبری از سوی خدا [بیاید] که صحیفه های پاکی را [بر آنها] بخواند،

«۳» و در آن نوشته های صحیح و پرارزشی باشد! [ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند، مانند اهل کتاب].

«۴» اهل کتاب [نیز در دین خدا] اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای آنان آمد!

«۵» و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار!

«۶» کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین مخلوقاتند!

«۷» [امّا] کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات [خدا]یند!

«۸» پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می مانند! [هم] خدا از آنها خشنود است و [هم] آنها از خدا خشنودند؛ و این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگارش بترسد!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

کافران از اهل کتاب و مشرکان [از آیین خود] جدا نمی شدند تا آن دلیل روشن برای آنان بیاید. (۱)

[آن دلیل روشن] فرستاده ای [چون پیامبر اسلام] از سوی خداست که صحیفه هایی پاک را می خواند. (۲)

در آنها نوشته هایی استوار و باارزش است؛ (۳)

و اهل کتاب درباره دین، [گروه گروه و] پراکنده نشدند مگر

پس از آنکه آن دلیل روشن برای آنان آمد [و به طور کامل نسبت به آنان اتمام حجت شد.] (۴)

در حالی که فرمان نیافته بودند جز آنکه خدا را بپرستند، و ایمان و عبادت را برای او از هرگونه شرکی خالص کنند، و حق گرا باشند، و نماز را برپا دارند، و زکات بپردازند؛ و این است آیین استوار و ثابت. (۵)

به یقین کافرانِ از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ اند و در آن جاودانه اند؛ اینانند که بدترین مخلوقاتند. (۶)

مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، اینانند که بهترین مخلوقاتند. (۷)

پاداششان نزد پروردگارشان بهشت های پاینده ای است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند؛ این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (۸)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

کافران اهل کتاب و مشرکان از کفر و عصیان منفک نبودند و به راه صواب هدایت نمی یافتند تا آن که برهان و حجت حق بر آنها آمد (۱)

رسولی از جانب خدا چون محمد (ص) فرستاده شد تا کتب آسمانی پاک و منزه ازخطا و تحریف را بر آنها تلاوت کند (۲)

که در آن کتب نامه های حقیقت و راستی و نگهبان سنت عدل الهی مسطور است (۳)

و اهل کتاب در حق این رسول گرامی (ص) راه تفرقه و خلاف نپیمودند مگر پس از آنکه آنها را حجت کامل در کتب آسمانی بر حقانیت رسول آمد و دانسته بر انکار او لجاج و عناد ورزیدند (۴)

و در کتب آسمانی امر نشدند

مگر بر اینکه خدا را به اخلاص کامل و بی شائبه شرک و ریا در دین اسلام پرستش کنند و از غیر دین حق روی بگردانند و نماز بپا دارند و زکات فقیران بدهند. اینست دین درست و راه راست سعادت (۵)

محققا آنان که از اهل کتاب کافر شدند و عیسی و عزیر و رهبانان و احبار را به مقام ربوبیت خواندند آنها با مشرکان همه در آتش دوزخند و در آن همیشه معذبند و آنها به حقیقت بدترین خلقند (۶)

و آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند (۷)

پاداش آنها نزد خدا باغهای بهشت عدنست که نهرها زیر درختانش جاریست و در آن بهشت ابد جاودان متنعمند و خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا راضی هستند و این بهشت مخصوص کسی است که از خدا ترسید و به طاعت او پرداخت (۸)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان، (از راه انحرافی خود) دست برندارند تا آنکه دلیل روشنی برایشان بیاید. (۱)

پیامبری از سوی خدا که کتب (آسمانی) را تلاوت کند. (۲)

در آن ها نوشته هایی استوار و با ارزش است. (۳)

کسانی که به آنان کتاب داده شد متفرق نشدند مگر بعد از آنکه برهان روشن برایشان آمد. (۴)

به اهل کتاب فرمانی داده نشده جز آنکه خدا را بپرستند در حالی که دین را برای او خالص ساخته و گرایش به حق داشته باشند و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند و این است دین استوار. (۵)

همانا کسانی

از اهل کتاب و مشرکین که کافر شدند، در آتش دوزخند، در آن جاودانه اند. آنانند بدترین مخلوقات. (۶)

بی شک کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند آنانند خود بهترین مخلوقات. (۷)

پاداش آنان گروه در نزد پروردگارشان، باغهای جاودانه ای است که زیر آن نهرها جاری است. (آنان) برای همیشه در بهشت جاودانه اند، خدا از آنان راضـی است و آنان نیز از او راضـی. این مقام مخصوص کسی است که از پروردگارش خشیت دارد. (۸)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

کسانی از اهل کتاب - جهودان و ترسایان - و مشـرکان که [اکنون به اسـلام] کافر شدند، [از آیین خود] جدا نمی شدند - باز نمی ایستادند - تا آن حجت روشن - پیامبر (ص) - بدیشان آمد (۱)

فرستاده ای از خدای که نامه هایی پاک - پاره هایی از قرآن - را بر آنان می خواند، (۲)

که در آنها نوشته هایی است راست و درست. (۳)

و کسانی که به آنها کتاب داده شـده - جهودان و ترسایان - پراکنـده نشدنـد - اختلاف نکردنـد - مگر پس از آنکه ایشان را حجت روشن - پیامبر و قرآن - آمد. (۴)

و آنان را جز این نفرموده بودند که خدای را بپرسـتند در حالی که دین را ویژه او کنند و حقگرای باشند و نماز را برپا دارند و زکات بدهند، و این است آیین [آن نوشته های] راست و استوار - یا: این است دین راست و استوار -. (۵)

همانا کافران اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ جاویدانند، اینانند بدترین آفریدگان. (۶)

همانا کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند، ایشانند بهترین آفریدگان. (۷)

پاداش ایشان نزد پروردگارشان بهشتهای پاینده است که از زیر آنها جوی ها روان است، در آنجا همیشه جاودانه باشند، خدای از آنان خشنود است و آنان از خدا خشنودند، این [پاداش] برای کسی است که از پروردگار خود بترسد. (۸)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

کافران اهل کتاب و مشرکان دست بر ندارند تا برایشان برهانی روشن بیاید: (۱)

پیامبری از جانب خدا که صحیفه های پاک را می خواند. (۲)

در آنها نوشته هایی است راست و درست. (۳)

و اهل کتاب پراکنده نشدند مگر از آن پس که برایشان برهانی روشن آمد. (۴)

و آنان را جز این فرمان ندادند که خدا را بپرستند در حالی که در دین او اخلاص می ورزند. و نماز گزارند و زکات دهند. این است دین درست و راست. (۵)

از اهل کتاب، آنها که کافرند و نیز مشرکان، در آتش جهنمند و در آن همواره خواهند بود. اینان بدترین آفریدگانند. (۶)

کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند بهترین آفریدگانند. (۷)

کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند بهترین آفریدگانند. (۸)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

کافران از میان اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند، تا آنکه برایشان حجت هویدا آمد: (۱)

پیامبری از سوی خداوند که بر آنان صحیفه های پاک [آسمانی] می خواند (۲)

که در آنها نوشته های استواری هست (۳)

و اهل کتاب تفرقه پیشه نکردند، مگر بعد از آنکه برایشان حجت هویدا آمد (۴)

و جز این فرمان نیافته بودند که خداوند را بپرستند و پاکدینانه دین خود را برای او خالص دارند، و نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند، و این دین استوار است (۵)

کافران از میان اهل کتاب و مشرکان در آتش جهنمند، و جاودانه در آنند، اینانند که خود بدترین آفریدگانند (۶)

کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند،

اینانند که خود بهترین آفریدگانند (۷)

پاداش آنان در نزد پروردگارشان بهشتهای عدن است که جویباران از فرودست آن جاری است، و جاودانه در آنند، خداوند از ایشان خشنود است و آنان هم از او خشنودند، این از آن کسی است که از پروردگارش بترسد (۸)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

نبودند آنان که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان دست بردارندگان تا بیایدشان نشانی (۱)

فرستاده ای از خدا که خواند نامه هائی پاک شده (۲)

در آنها است نوشته هائی استوار (۳)

و پراکنده نشدند آنان که داده شدند کتاب را مگر پس از آنکه بیامدشان نشانی (۴)

و فرموده نشدند مگر آنکه بپرستند خدا را پاک دارندگان برای او دین را یکتاپرستان و بپای دارند نماز را و بدهند زکات را و این است دین استوار (۵)

همانا آنان که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند جاودانان در آن آنانند بدترین جهانیان (۶)

همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند آنانند بهترین جهانیان (۷)

پاداششان نزد پروردگارشان بهشتهای جاودانی است که روان است از زیر آنها جوی ها جاودانان در آنها همیشه خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند از او این برای آن است که بترسد از پروردگارش (۸)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

The faithless from among the People of the Book and the polytheists were not set ۱
:apart until the proof had come to them

,an apostle from Allah reciting impeccable scriptures ۲

.wherein are upright writings ۳

And those who were given the Book did not divide, except after the proof had come ۴

.to them

Yet they were not commanded except to worship Allah, dedicating their faith to Him ۵
as men of pure faith, and to maintain the prayer and pay the zakat. That is the upright
.religion

Indeed the faithless from among the ۶

People of the Book and the polytheists will be in the fire of hell, to remain in it [forever].
.It is they who are the worst of creatures

Indeed those who have faith and do righteous deeds—it is they who are the best of ۷
.creatures

Their reward, near their Lord, is the Gardens of Eden, with streams running in them, ۸
to remain in them forever. Allah is pleased with them, and they are pleased with Him.
.That is for those who fear their Lord

ترجمه انگلیسی شاکر

Those who disbelieved from among the followers of the Book and the polytheists could not have separated (from the faithful) until there had come to them the clear (evidence: (۱

(An messenger from Allah, reciting pure pages, (۲

(Wherein are all the right ordinances. (۳

And those who were given the Book did not become divided except after clear (evidence had come to them. (۴

And they were not enjoined anything except that they should serve Allah, being sincere to Him in obedience, upright, and keep up prayer and pay the poor-rate, and (that is the right religion. (۵

Surely those who disbelieve from among the followers of the Book and the polytheists (shall be in the fire of hell, abiding therein; they are the worst of men. (۶

(As for) those who believe and do good, surely they are the -best of men. (۷)

Their reward with their Lord is gardens of perpetuity beneath which rivers flow, abiding therein for ever; Allah is well pleased with them and

(they are well pleased with Him; that is for him who fears his Lord. (۸

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

Those People of the Book who have disbelieved, and the associators [of others (۱) ,with God] did not give up until evidence came to them

through] a messenger from God reciting purified pages] (۲)

.which comprise changeless books (۳)

Nor did those who were given the Book disagree (about it) until after evidence had (۴) .come to them

Yet they have merely been ordered to worship God sincerely-[reserving] religion (۵) for Him [Alone], as righteous seekers [after Truth] -and to keep up prayer and pay the .[welfare tax. That is the religion for an established [community

Those People of the Book who disbelieve as well as the associators will remain in (۶) .Hell fire; those are the worst creatures

;Those who believe and perform honorable deeds are the best creatures (۷)

their reward from their Lord will be gardens of Eden through which rivers flow, to (۸) live in for ever. God is pleased with them while they feel pleased with Him. That is .[reserved] for anyone who dreads his Lord

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

The unbelievers of the People of the Book and the idolaters would never leaveoff, till (the Clear Sign came to them, (۱

(a Messenger from God, reciting pages purified, (۲

(therein true Books. (٣

And they scattered not, those that were given the Book, excepting after theClear Sign (came to them (۴

They were commanded only to serve God, making the religion His sincerely,men of pure

(faith, and to perform the prayer, and pay the alms--that isthe religion of the True. (۵

The unbelievers of the People of the Book and the idolaters shall be in theFire of (Gehenna, therein dwelling forever; those are the worst of creatures. (۶

(But those who believe, and do righteous deeds, those are the best ofcreatures; (۷

their recompense is with their Lord--Gardens of Eden, underneath which riversflow, therein dwelling for ever and ever. God is well-pleased with them, andthey are well-(pleased with Him; that is for him who fears his Lord. (۸

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

Those who disbelieve among the People of the Scripture and the idolaters could not (have left off (erring) till the clear proof came unto them, (۱

(A messenger from Allah, reading purified pages (۲

(Containing correct scriptures. (۳

Nor were the People of the Scripture divided until after the clear proof came unto (them. (۴

And they are ordered naught else than to serve Allah, keeping religion pure for Him, as men by nature upright, and to establish worship and to pay the poor due. That is (true religion. (۵

Lo! those who disbelieve, among the People of the Scripture and the idolaters, will (abide in fire of hell. They are the worst of created beings. (۶

(And) lo! those who believe and do good works are the best of created beings. (۷)

Their reward is with their Lord: Gardens of Eden underneath which rivers flow, wherein they dwell for ever. Allah hath

pleasure in them and they have pleasure in Him. This is (in store) for him who feareth (his Lord. (٨

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

Those who reject (Truth) among the People of the Book and among the Polytheists were not going to depart (from their ways) until there should come to them Clear (Evidence. (١

(An apostle from Allah rehearsing scriptures kept pure and holy: (٢

(Wherein are laws (or decrees) right and straight. (٣

Nor did the people of the Book make schisms until after there came to them Clear (Evidence. (۴

And they have been commanded no more than this: to worship Allah offering Him sincere devotion being True (in faith); to establish regular Prayer; and to practice (regular Charity; and that is the Religion Right and Straight. (۵

Those who reject (Truth) among the People of the Book and among the Polytheists (will be in hell-fire to dwell therein (for aye). They are the worst of creatures. (۶

(Those who have faith and do righteous deeds they are the best of creatures. (٧

Their reward is with Allah: Gardens of Eternity Beneath which rivers flow; They will dwell therein for ever; Allah well pleased with them and they with Him: all this for such (as fear their Lord and Cherisher. (٨

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

Les infidèles parmi les gens du Livre, ainsi que les Associateurs, ne cesseront pas de .١ :mécroire jusqu'à ce que leur vienne la Preuve évidente

٢. un Messager, de la part d'Allah, qui leur récite des feuilles purifiées,

٣. dans lesquelles se trouvent des prescriptions d'une rectitude

parfaite.

۴. Et ceux à qui le Livre a été donné ne se sont divisés qu'après que la preuve leur fut venue.

۵. Il ne leur a été commandé, cependant, que d'adorer Allah, Lui vouant un culte exclusif, d'accomplir la Salat et d'acquitter la Zakat. Et voilà la religion de droiture.

۶. Les infidèles parmi les gens du Livre, ainsi que les Associateurs iront au feu de l'Enfer, pour y demeurer éternellement. De toute la création, ce sont eux les pires.

۷. Quant à ceux qui croient et accomplissent les bonnes oeuvres, ce sont les meilleurs de toute la création.

۸. Leur récompense auprès d'Allah sera les Jardins de séjour, sous lesquels coulent les ruisseaux, pour y demeurer éternellement. Allah les agrée et ils L'agréent. Telle sera [la récompense] de celui qui craint son Seigneur.

ترجمه اسپانیایی

۱. Los que no creen, tanto gente de la Escritura como asociadores, no podían renunciar hasta que les viniera la prueba clara:

۲. Un Enviado de Dios, que recitara hojas purificadas,

۳. que contenían Escrituras verdaderas.

۴. Y quienes recibieron la Escritura no se dividieron sino después de venir a ellos la prueba clara.

۵. Pero no se les ordenó sino que sirvieran a Dios, rindiéndole culto sincero comohanifes, que hicieran la azalá y dieran el azaque. Ésa es la religión verdadera.

۶. Los que no crean, tanto gente de la Escritura como asociadores estarán, eternamente, en el fuego de la gehena. Ésos son lo peor de la creación.

۷. En cambio, los que crean y obren bien, ésos son

lo mejor de la creación,

۸. y tendrán como retribución, junto a su Señor, los jardines del edén, por cuyos bajos fluyen arroyos, en los que estarán eternamente, para siempre. Dios está satisfecho de ellos y ellos lo están de Él. Esto es sólo para quien tiene miedo de su Señor.

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

۱. Die unglنubig sind unter dem Volk der Schrift und den Gtzendienern, konnten (von ihrem Irrtum) nicht eher befreit werden, als bis ein deutlicher Beweis zu ihnen kam:

۲. Ein Gesandter von Allah, der (ihnen) die reinen Schriften vorliest,

۳. Worinnen die ewigen Gebote sind.

۴. Und die, denen die Schrift gegeben ward, waren nicht eher gespalten, als nachdem der deutliche Beweis zu ihnen gekommen war.

۵. Und doch war ihnen nichts anderes befohlen, als Allah zu dienen, in lauterem Gehorsam gegen Ihn und aufrechtem Glauben, und das Gebet zu verrichten und die Zakat zu zahlen. Und das ist der bestنndige Glaube.

۶. Wahrlich, jene, die unglنubig sind unter dem Volk der Schrift und den Gtzendienern, werden im Feuer der Hlle sein, um darin zu bleiben. Sie sind die schlechtesten Geschpfe.

۷. Die aber glauben und gute Werke üben, sie sind die besten Geschpfe.

۸. Ihr Lohn ist bei ihrem Herrn: Gنrten der Ewigkeit, von Strmen durchflossen; darin werden sie weilen auf immer. Allah ist mit ihnen wohlzufrieden und sie wohlzufrieden mit Ihm. Das ist für den, der seinen Herrn fürchtet.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. I miscredenti fra la gente della Scrittura e gli associatori , non cesseranno , finché
che non giunga loro la Prova Evidente .

۲. un Messaggero, da parte di Allah, che legge fogli purissimi ,

۳. contenenti precetti immutabili.

۴. Coloro cui fu data la Scrittura non si divisero, finché non giunse loro la Prova
Evidente ;

۵.

eppure non ricevettero altro comando che di adorare Allah, tributandoGli un culto esclusivo e sincero , di eseguire l'orazione e di versare la decima . Questa è la .Religione della verità

In verità i miscredenti fra gente della Scrittura e gli associatori, saranno nel fuoco .۶ .dell'Inferno, dove rimarranno in perpetuo. Di tutta la creazione essi sono i più abbietti

.Quelli che invece credono e compiono il bene sono i migliori di tutta la creazione .۷

Presso il loro Signore, la loro ricompensa saranno i Giardini di Eden, dove scorrono i .۸ ruscelli, in cui rimarranno in perpetuo. Allah si compiace di loro e loro si compiacciono .di Lui. Ecco [cosa è riservato] a chi teme il suo Signore

ترجمه روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

Те, которые не веровали из людей писания и многобожников, не отделялись, .۱ – пока не пришло к ним ясное знамение

,посланник от Аллаха, который читает очищенные свитки .۲

.в которых писания прямые .۳

И не разделились те, которым было принесено писание, иначе как после того, .۴ .как пришло к ним ясное знамение

И было им повелено только поклоняться Аллаху, очищая перед Ним религию, .۵ !как ханифы, выстаивать молитву, приносить очищение. Это – вера прямоты

Поистине, те из обладателей писания и многобожников, которые не .۶ .уверовали, – в огне геенны, – вечно пребывая там. Они – худшие из твари

.Поистине, те, которые уверовали и творили доброе, эти – лучшие из твари .۷

Воздаянием им у их Господа – сады 'Адна, где внизу текут реки, – для вечного .۸ пребывания там навсегда. Аллах

.доволен ими, и они довольны Аллахом. Это - для тех, кто боится своего Господа

ترجمه ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

۱ - Vaz geçemezlerdi kâfirlikten kitap ehlinden kâfir olanlar ve irk ko anlar, kendilerine .apaçk kesin bir delil gelmedikçe

۲ - Bir kesin delil, bir peygamber, Allah tarafndan, onlara tertemiz sahîfeleri .okumadkça

۳- O sahîfelerdedir hükmü sâbit doru kitaplar.

۴ - Ve ancak kendilerine apaçk kesin bir delil geldikten sonradr ki aykrla dü tüler, .kendilerine kitap verilmi olanlar

۵ - Ve ancak zleri hâlis olarak ve onun gerçek dînine uyarak Allah'a kulluk etmeleri emredildi onlara, doru olmalar emredildi ve namaz klmalar ve zekât vermeleri ve i te .budur hükümleri sâbit doru kitaplardaki din de

۶ - Kitap ehlinden kâfir olanlar ve irk ko anlar, üphe yok ki cehennem ate indedir, .ebedîdir onlar orada, onlardr yaratlm larn en ktüleri

۷- ف nananlar ve iyi i lerde bulunanlarsa: Onlardr üphe yok ki yaratlm larn en hayrllar.

۸ - Rablerinin katndaki mükâfatlar, kylarndan rmaklar akan ebedî Adn cennetleridir, ebedîdir onlar orada, Allah râz olmu tur onlardan ve onlar da râz olmu lardr ondan; ve .bu mükâfat, Rabbinden korkanadr

ترجمه آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

۱. Kitab əhlindən (yəhudilərdən və xaçpərəstlərdən) kafir olanlar və müşriklər özlərinə .açıq-aşkar bir dəlil gəlməyənə qədər (dinlərindən) ayrılan deyildilər

۲. (Bu açıq-aşkar dəlil isə) pak səhifələri onlara oxuyan, Allah tərəfindən göndərilmiş peyğəmbərdir (Muhəmməd əleyhissəlamdır).

۳. O səhifələrdə doğru-dürüst hökmlər vardır.

۴. Kitab əhli yalnız özlərinə açıq-aydın dəlil (Peyğəmbər və Qur'an) gəldikdən sonra (dində) ayrılığa düşdülər (onlardan kimisi Peyğəmbərə iman gətirdi, kimisi onu inkar etdi, kimisi də şəkk-şübhə içində qaldı).

۵. Halbuki onlara əmr edilmişdir ki, Allaha - dini yalnız Ona məxsus edərək, batildən haqqa (islama) dönərək - ibadət etsinlər, namaz qılıb zəkat versinlər. Doğru-düzgün din budur!

۶.

Həqiqətən, kitab əhlindən kafir olanların və müşriklərin yeri cəhənnəm odudur. Onlar .orada əbədi qalacaqlar. Onlar yaradılmışların ən pisidirlər

.İman gətirib yaxşı əməllər edənlər isə yaradılmışların ən yaxşılarıdır .٧

Onlardan öz Rəbbi yanındakı mükafatı (ağacları) altından çaylar axan Ədn .٨ cənnətləridir. Onlar orada əbədi qalacaqlar. Allah onlardan razıdır, onlar da Allahdan. !Bu (ne'mətlər) Rəbbindən qorxanlar üçündür

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

۱. جو لوگ کافر □ی□ (یعنی) ا□ل کتاب اور مشرک و□ (کفر س□) باز ر□ن□ وال□ ن□ ت□□ جب تک ان ک□ پاس ک□لی دلیل (ن□) آتی

۲. (یعنی) خدا ک□ پیغمبر جو پاک اوراق پ□□ت□ □ی□

۳. جن می□(مستحکم) آیتی□ لک□ی □وئی □ی□

۴. اور ا□ل کتاب جو متفرق (و مختلف) □وئ□ □ی□ تو دلیل واضح آن□ ک□ بعد(□وئ□ □ی□)

۵. اور ان کو حکم تو ی□ی □وا ت□ا ک□ اخلاص عمل ک□ سات□ خدا کی عبادت کری□ (اور) یکسو □و کراورنماز پ□□ی□ اور زکوٰة دی□ اور ی□ی سچا دین □□

۶. جو لوگ کافر □ی□ (یعنی) ا□ل کتاب اور مشرک و□ دوزخ کی آگ می□ پ□ی□ گ□ (اور) □میش□ اس می□ ر□ی□ گ□□ ی□ لوگ سب مخلوق س□ بدتر □ی□

۷. (اور) جو لوگ ایمان لائ□ اور نیک عمل کرت□ ر□□ و□ تمام خلقت س□ ب□تر □ی□

۸. ان کا صل□ ان ک□ پروردگار ک□ □ا□ □میش□ ر□ن□ ک□ باغ □ی□ جن ک□ نیچ□ ن□ری□ ب□□ ر□ی □ی□ ابدالاباد ان می□ ر□ی□ گ□□ خدا ان س□ خوش اور و□ اس س□ خوش □ ی□ (صل□) اس ک□ لی□ □□ جو اپن□ پروردگار س□ □رتا

ر□ا

ترجمه پشتو

۱. شروع كوم د الله په نامه چ□ □□ر زيات مهربانه او پوره رحم لرونك□ د□ له كافرانو □خه اهل كتاب او مشركان له خپله دينه جدا شونكى نه وو تر د□ چ□ (د الله) رو□انه دليل هغوى ته راغللو

۲. د الله رسول چ□ دوى ته پاك□ صحيف□ تلاوت كوى

۳. چ□ په هغ□ ك□□ سم حكمونه ليكلى شوى دى

۴. او اهل كتاب (د پيغمبر(ص)) په هكله اختلاف نه لرل تر د□ چ□ دوى ته رو□انه دليل راغلو

۵. او هغوى ته يواز□ دا حكم شو□ و چ□ پداسـ□ حال ك□ـ□ د خـداى عبـادت وك□ئ چ□ الله لره د خپل دين خالص كوونكى وئ (د دين حنيف) له شركه توحيد ته ستانۀ شئ لمون□ ادا ك□ئ او زكات وركـ□ئ او دا محكم (ماموزٌ بِهِ) شيان دين د□.

۶. بيشكه هغه كسان چ□ كفر ي□ ك□□ د□ له اهل كتابو او مشركانو □خه (هغوى) د تل لپاره به د دوزخ په اور ك□□ وى او دا له خلكو □خه □□ر بد خلك دى.

۷. بيشكه كومو كسانو چ□ ايمان راو□□ د□ او □ه عمل ي□ ك□□ د□ دا له خلكو □خه □□ر □ه خلك دى

۸. د د□ جزا د خداى په ن□د□ د جنت تل پات□ كيدوونك□ باغونه دى چ□ (د ونو او ما□و) لاند□ ي□ ويال□ بهي□ى، د تل لپاره به هغ□ ك□□ وى، الله له هغوى راضى د□ او دا (لو□ه درجه) د هغه چا لپاره ده چ□ له خدايه ويريدل□ د□.

ترجمه كردى

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Ewanê xweyê pirtûkên, ku bûn e file û ewanê hevrî çêker hene!

.Heya ji bona wan ra (berateke) huzwartî neyê (ewan ji hevaltîyan) xwe venabin

Ewa (berata) qasidekî wusa¬ne ji alîyê Yezdan da hatîye şandinê, ku ji bona wan ra .۲ .rûpelên paqij bi xûne

.Di wan (rûpelan da) nivîsanê (biryarê) wusa hene, mafan bi rastî vedikin.۳

Ewane xweyê pirtûk hene! ji piştî, ku ji bona wan ra berata huzwartî hatîye, paşê .۴ .dutîretî di nava xwe da çêkirine

Ewan (xweyê pirtûkan) bi tenê (ji alîyê qasid da) hey aha hatibûnê ferman kirinê; ku .۵ xurî ji bona Yezdan ra perestî bikin, loma ola rast hey ji bona (Yezdan ra) heye û .nimejê bikin û baca malê xwe bidin û ola mafe rast şixwa eva ye

Bi rastî ewanê xwedîyê pirtûkne, ku bûne file û ewanê hevrî çêker hene!Ewanê di .۶ .agirê dojê da her bimînin. Sikne heyîne reşayîyê evan in

.Ewanê bawer kirine û karê aştî kirine hene! Qenctirne heyîna reşayîyê evan in .۷

Xelata wan li bal Xuda yê wan behişta xarinane;(Behiştake wusane) ku di binê (darê .۸ wêda) çemê (avê) dikişin. Ewanê di wê (behiştê da) her bimînin. Yezdan bi wan qayîl e û ewan jî (ji dana Yezdan) qayîl in. Ewê, ku ji Xuda yê xwe ditirsîya ye (bê gotina wî ne .kiriye) heye! Eva xelata ji bona wî ra ne

ترجمه اندونزی

.Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang

(Apabila bumi diguncangkan dengan guncangannya (yang dahsyat). (۱

(Dan bumi telah mengeluarkan beban- beban berat (yang dikandung) nya.(۲

(Dan manusia bertanya:" Mengapa bumi (jadi begini)".(۳

(Pada hari itu bumi menceritakan beritanya,(۴

Karena

(sesungguhnya Tuhanmu telah memerintahkan (yang sedemikian itu) kepadanya.(٥

Pada hari itu manusia ke luar dari kuburnya dalam keadaan yang bermacam- macam, (supaya diperlihatkan kepada mereka (balasan) pekerjaan mereka.(٦

Barang siapa yang mengerjakan kebaikan seberat zarah pun, niscaya dia akan (melihat (balasan) nya.(٧

Dan barang siapa yang mengerjakan kejahatan seberat zarah pun, niscaya dia akan (melihat (balasan) nya pula.(٨

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Orang-orang yang kafir dari Ahli Kitab (Yahudi dan Nasrani) serta orang-orang musyrik, tidak akan terlepas (dari kepercayaan dan amalan masing-masing) sehingga (datang kepada mereka bukti yang jelas nyata, - (١

Iaitu seorang Rasul dari Allah yang membacakan (kepada mereka) Lembaran-(lembaran Suci, (٢

(Terkandung di dalamnya pelajaran-pelajaran dan hukum-hukum yang benar. (٣

Dan orang-orang (Yahudi dan Nasrani) yang diberi Kitab (Taurat dan Injil) itu, tidak (berpecah-belah melainkan setelah datang kepada mereka bukti yang jelas nyata. (٤

Pada hal mereka tidak diperintahkan melainkan supaya menyembah Allah dengan mengikhlaskan ibadat kepadaNya, lagi tetap teguh di atas tauhid; dan supaya mereka mendirikan sembahyang serta memberi zakat. Dan yang demikian itulah (Ugama yang benar. (٥

Sesungguhnya orang-orang yang kafir dari Ahli Kitab dan orang-orang musyrik itu akan ditempatkan di dalam neraka Jahannam, kekalah mereka di dalamnya. Mereka (itulah sejahat-jahat makhluk. (٦

Seungguhnya orang-orang yang beriman dan beramal soleh, mereka itulah sebaik-

(baik makhluk. (٧

Balasan mereka di sisi Tuhannya ialah syurga Adn (tempat tinggal yang tetap), yang mengalir di bawahnya beberapa sungai; kekalah mereka di dalamnya selama-lamanya; Allah reda akan mereka dan merekapun reda (serta bersyukur) akan nikmat pemberianNya. Balasan yang demikian itu untuk

(orang-orang yang takut (melanggar perintah) Tuhannya. ٨)

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

١. Wale waliokufuru miongoni mwa watu wa Kitabu na washirikina, hawakuwa wenye kuachana na waliyo nayo mpaka iwafikie hoja.

٢. Ni Mtume aliyetoka kwa Mwenyeezi Mungu anayewasomea kurasa zilizotakaswa.

٣. Ndani yake zimo Sharia madhubuti.

۴. Wala hawakufarikiana wale waliopewa Kitabu ila baada ya kuwafikia hoja.

۵. Wala hawakuamrishwa ila kumwabudu Mwenyeezi Mungu kwa kumtakasia yeye dini, hali wameshikamana na haki, na wanasimamisha swala na kutoa zaka, na hiyo ndiyo dini madhubuti.

۶. Hakika wale waliokufuru miongoni mwa watu wa Kitabu na washirikina wamo katika Moto wa Jahannam watakaa milele humo, hao ndio waovu wa viumbe.

٧. Hakika wale walioamini na kutenda mema, hao ndio werna wa viumbe.

٨. Malipo yao kwa Mola wao ni Mabustani ya milele yanayopita mito chini yake, watakaa humo milele Mwenyeezi Mungu amewaridhia nao wamemridhia (malipo) hayo ni kwa yule anayemuogopa Mola wake.

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۵۶۹

(۹۸) سوره بینه مدنی است و هشت آیه دارد (۸)

[سوره البینه (۹۸): آیات ۱ تا ۸] ترجمه آیات به نام اللَّه رحمان و رحیم.

به هیچ وجه کفار، چه مشرکین و چه اهل کتاب رها نخواهند شد تا آنکه حجت نبوت خاتم الانبیاء (صلوات اللّه علیه) و حقیقت دعوتش و قرآنش بر آنان تمام شود (۱).

رسولی از ناحیه خدا که صحیفه هایی منزه از باطل را بر آنان تلاوت کند (۲).

صحیفه هایی که در آنها کتابهایی گرانبها هست (۳).

و اگر اهل کتاب دعوت او را نپذیرفتند و از مسلمانان جدا و متفرق گشتند باری بعد از تمامیت حجت علیه شان جدا شدند (۴).

با اینکه رسالت این رسول

جز این نبود که به مشرکین و اهل کتاب بفهمانند از طرف خدا مامورند اللّه تعالی را به عنوان یگانه معبود خالصانه بپرستند و چیزی را شریک او نسازند و نماز را بپا داشته زکات را بدهند و دین قیم هم همین است (۵).

از اهل کتاب و مشرکین، آنها که کافر شدند در آتش جهنم خواهند بود آن هم برای همیشه و ایشان بدترین خلق خدایند (۶).

و کسانی که ایمان آورده اعمال صالح کردند ایشان بهترین خلق خدایند (۷).

جز ایشان نزد پروردگارشان عبارت است از بهشت های عدن که نهرها در زیر درختانش روان است و ایشان تا ابد در آنند در حالی که خدا از ایشان راضی و ایشان هم از خدا راضی باشند این سرنوشت کسی است که از پروردگارش بترسد (۸).

بیان آیات [تفسیر آیه:" لَمْ یَکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ ..." که گفته شده از مشکل ترین آیات قرآنی است

این سوره رسالت محمد بن عبد اللّه خاتم النبیین (صلوات اللّه علیه) را برای عوام از اهل کتاب و مشرکین مسجل می کند، و به عبارتی ساده تر برای عموم اهل ملت و غیر اهل ملت و باز ساده تر بگویم: برای عموم بشر تسجیل می کند، و می فهماند که آن جناب از ناحیه خدا به سوی عموم بشر گسیل شده، و این عمومیت رسالت آن جناب مقتضای سنت الهی، یعنی سنت هدایت است، همان سنتی که آیات زیر بر آن اشاره دارد، و می فرماید:" إِنَّا هَدَیْناهُ السَّبِیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کَفُوراً" «۱»،" وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلا فِیها نَذِیرٌ" «۲» و به بیانی که ان شاء اللّه به زودی می آید بر عمومیت دعوت

آن جناب استدلال کرده، به اینکه دعوت آن حضرت متضمن صلاح مجتمع انسانی است، عقاید و اعمال افراد و جوامع را صالح می سازد، و این سوره هم با نزول در مکه می سازد و هم نزول در مدینه، هر چند که از نظر سیاق به مدنی بودن شبیه تر است.

" لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ " آیات این سوره در سیاقی است که به قیام حجت علیه کافران به دعوت اسلامی اشاره می کند، چه از اهل کتاب و چه مشرکین، و نیز علیه عده ای از اهل کتاب که بعد از آمدن حجت به خاطر اختلافهای ناشی از منیت حجت خدا را رها کردند. و با در نظر داشتن این

---

(۱) ما راه را به او نمایاندیم خواه شاکر باشد و خواه کفران کند. سوره انسان، آیه ۳.

(۲) هیچ امتی نبوده مگر آنکه هدایت گری بیم رسان در آن بوده است. سوره فاطر، آیه ۲۴.

سیاق از ظاهر آیات بر می آید که منظور اشاره به این معنا است که رسول خدا (ص) از مصادیق حجت بینه ای است که علیه مردم قیام شده، و سنت الهی که در بندگان جاری است اقتضا کرده این حجت قائم گشته، و این رسول مبعوث شود، چون سنت جاری خدا ایجاب می کرد بینه و حجت روشنگرش به سوی این طوایف نیز بیاید، همانطور که به طوایف و اقوام گذشته قبل از اختلافشان همین اقتضا را کرد و بر ایشان حجت فرستاد، چیزی که هست خودشان از آن حجت استفاده نکردند، و با یکدیگر اختلاف راه انداختند.

بنا بر این، مراد از جمله " الَّذِينَ كَفَرُوا " در آیه شریفه،

همه کافران از دعوت اسلامی است، چه از اهل کتاب و چه مشرکین، و کلمه" من" در جمله" مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ" تبعیض را می رساند، نه تبیین را، و کلمه" و المشرکین" عطف است بر کلمه" اهل الکتاب"، و مراد از" مشرکین"، غیر اهل کتاب است، حال چه بت پرست باشند، و چه اصناف دیگر مشرکین.

و کلمه" منفکین" از ماده انفکاک است، که به معنای جدایی دو چیز است که به شدت به هم متصل بوده اند، و مراد از آن- به طوری که از جمله" حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ" استفاده می شود- جدا شدن از مقتضای سنت هدایت و بیان است، گویا سنت الهی دست بردار از آنان نبوده، تا حجت و بینه بیاید، همین که آمد آن وقت رهاشان می کند، و به حال خودشان واگذار می کند، هم چنان که در جای دیگر به این معنا اشاره نموده می فرماید:" وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ" «۱».

" حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ"- این جمله به همان معنای ظاهریش معنای می شود، یعنی منظور از کلمه" تاتیهم" که صیغه مضارع است همان آینده است، و کلمه" بینه" به معنای دلیل روشن است. و معنای آیه شریفه این است که: خدای تعالی کسانی را که به رسالت و یا دعوت رسول خدا (ص) کافر شدند، و یا به قرآن کفر ورزیدند، رها نخواهد کرد، تا آنکه بینه و دلیل روشن که همان رسول خدا (ص) است برای آنان بیاید، (و ساده تر آنکه خدای تعالی دست از هدایت این کفار بر نمی دارد تا زمانی که حجت بر آنان تمام شود، و خودشان یقین کنند که محمد (ص) رسول

خدا است، و راست می گوید، و لجاج و عناد وادار به کفرشان ساخته).

---

(۱) خدا هرگز چنین نبوده که قومی را بعد از آنکه هدایت کرده گمراه کند، مگر بعد از آنکه آنچه باعث تقوای آنان می شود برایشان بیان کرده باشد. سوره توبه، آیه ۱۱۵.

صفحه ی ۵۷۲

و اما مفسرین در تفسیر آیه و معانی کلمات آن اختلافی عجیب به راه انداخته اند، به طوری که بعضی «۱» از آنان- آن طور که می گویند- گفته اند: این آیه از مشکل ترین آیات قرآن است، هم از نظر نظم و هم از نظر تفسیر.

ولی معنایی که ما برای آیه کردیم با سیاق آیات سوره سازگار است، و هیچ تناقضی بین مفردات و جمله های آن رخ نمی دهد، و از خوانندگان هر کس بخواهد به طور مفصل به آن قیل و قالها واقف شود باید به تفاسیر مطول مراجعه کند.

" رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَةً فِيها كُتُبٌ قَيِّمَةٌ " این آیه بیانگر معنای بینه است، می فرماید: منظور از بینه، محمد رسول اللَّه (ص) است و این معنا به طور قطع از سیاق استفاده می شود.

و کلمه" صحف" جمع صحیفه است، که به معنای هر چیزی است که در آن می نویسند (از قبیل کاغذ، و لوح های سنگی و فلزی و امثال آن) و منظور در اینجا اجزایی است که از قرآن کریم نازل شده بود، و در کلام خدای تعالی اطلاق صحف بر اجزای کتابهای آسمانی، و از آن جمله خود قرآن کریم مکرر آمده، از آن جمله فرموده:" فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرامٍ بَرَرَةٍ " «۲».

و مراد از اینکه فرموده:" می خواند صحفی مطهره را" این است که اجزای قرآن از لوث

باطل پاک است، و شیطان در آن دست نینداخته، و این معنا نیز در قرآن کریم مکرر آمده که خدای تعالی قرآن را از مداخله شیطانها حفظ می کند، از آن جمله فرموده:" لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ " «۳».

[موارد استعمال واژه" کتاب" و مراد از اینکه فرمود در صحف مطهره ای که پیامبر (صلّى الله علیه وآله وسلّم) تلاوت می کند" کُتُبٌ قَیِّمَهٌ" هست

و در جمله" فِیها کُتُبٌ قَیِّمَهٌ" منظور از" کتب" که جمع کتاب است جرم کتاب نیست، بلکه منظور مکتوب و مطالبی است که در کتاب نوشته شده، و کلمه" کتاب"، هم بر کاغذ و لوحهای مختلف اطلاق می شود و هم بر کلمات و الفاظ نوشته شده ای که نقوش حک شده و یا با قلم سیاه شده، از آن الفاظ حکایت می کند، و چه بسا بر معانی آن الفاظ هم اطلاق شود، به این اعتبار که آن معانی به وسیله الفاظ حکایت شده، و نیز بر حکم حاکم و قضای رانده شده نیز اطلاق می گردد، مثلا می گویند:" کتب علیه کذا- بر فلانی چنین ______________

(۱) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۰۲ به نقل از واحدی.

(۲) در الواح پر ارزشی ثبت است. الواحی و الا قدر و پاکیزه. به دست سفیرانی است و الا مقام و فرمانبردار و نیکوکار. سوره عبس، آیات ۱۳- ۱۶.

(۳) جز پاکان کسی با آن تماس ندارد. سوره واقعه، آیه ۷۹.

نوشتند" یعنی حکم کردند که باید چنین و چنان کند، در قرآن هم آمده که:" کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ " «۱»، و نیز فرموده:" کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتالُ " «۲»، و ظاهرا مراد از کتبی که در صحف است همین معنای آخر باشد، یعنی احکام

و قضایـایی الهی باشـد، که در مورد اعتقادات و اعمال صادر شـده است، دلیلش توصـیف کتاب است به صـفت" قیمه"، چون کلمه" قیمه" از قیـام کردن به امر خیری، و حفظ و مراعات مصـلحت آن، و ضـمانت سـعادت آن است، هم چنان که در قرآن کریم در مورد دین استعمال شـده، آنجا که فرموده:" أَمَرَ أَلَّا تَعْبُـدُوا إِلَّا إِیَّاهُ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ " «۳»، یعنی دینی که خـدا آن را حفظ می کنـد، و بقایش را ضـمانت کرده است، و معلوم است که صـحف آسـمانی قیم انـد، چون امر مجتمع انسانی را بپا می دارند، و با دستورات و احکام و قضایایی که متعلق به عقاید و اعمال است مصالح بشر را حفظ می کنند.

پس معنای آیه مورد بحث این می شود که آن حجت و بینه روشـنی که از ناحیه خدای تعالی برای آنان آمده، عبارت است از رسولی از نـاحیه خـدا، که برای مردم صـحف آسـمانی پاک را می خوانـد، پاک از پلیـدی باطل، صـحفی که در آن احکام و قضایایی است قائم به امر مجتمع انسانی، و اداره کننده آن به بهترین وجه، و حافظ مصالح آن.

" وَ مـا تَفَرَّقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ إِلَّا مِنْ بَعْـدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ" آیه اول سوره که می فرمود:" ما دست بردار از کفار اهل کتاب و مشـرکین نیستیم تـا حجت بر آنـان تمام شود"، به کفرشان به نبوت رسول خـدا (ص) و کتاب او، که متضـمن دعوت حق او است اشـاره می کرد، و آیه مورد بحث به اختلافی که قبل از دعوت اسـلامی داشـتند اشاره می کنـد، و در قرآن کریم در چند جا به این اختلاف اشاره شده، از آن جمله می فرماید:" وَ

مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوتُوا الْكِتابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ " «۴»، و از این قبیل آیاتی دیگر.

و منظور از آمدن بینه برای کفار همان بیانات کتب انبیای گذشته ای است که در کتبشان آمده بود، و یا کلام انبیای آنان در توضیح و تفسیر بیان الهی است، هم چنان که در آیه ________________

(۱) روزه بر شما نوشته شده، یعنی حکمش صادر شده. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

(۲) جهاد در راه خدا بر شما مقرر شد. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

(۳) دستور فرموده تا بجز او را نپرستید، دین قیم هم همین است. سوره یوسف، آیه ۴۰.

(۴) اهل کتاب اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه حجت برایشان تمام شد، و به حقیقت دعوت یقین پیدا کردند، ولی دشمنی موجود در بین خودشان نگذاشت آن را بپذیرند. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

زیر بینه را به همین دو قسم بیان تفسیر نموده، می فرماید:" وَ لَمَّا جاءَ عِيسى بِالْبَيِّناتِ قالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هذا صِراطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَيْنِهِمْ " «۱».

در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که: چرا در آیه مورد بحث متعرض اختلاف اهل کتاب در مذاهب خود شد، ولی اختلاف و تفرقه مشرکین و اعراضشان از دین توحید و انکارشان مساله رسالت را متعرض نگردید؟

[بیان اینکه کتب آسمانی برای عموم بشر آورده شده و آیه:" وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ ..." حکایت حال مشرکین نیز هست

در پاسخ می گوییم: بعید نیست جمله" وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ"، شامل مشرکین هم بشود، چون

در آیه مورد بحث می توانست بفرماید:" و ما تفرق اهل الکتاب الاـ من بعد ..."، ولی به جای جمله" اهل الکتاب" جمله" الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ" را آورد، و تفاوت بین این دو تعبیر بر کسی پوشیده نیست، چون تعبیر اهل کتاب در عرف قرآن تنها شامل یهود و نصاری و صابئان و مجوسیان، و یا تنها یهود و نصاری می شود. ولی تعبیر دوم یعنی" آنان که کتاب برایشان نازل شده"، شامل مشرکین هم می شود، چون کتاب خدا برای عموم بشر نازل شده، و در قرآن کریم تصریح فرموده به اینکه خدای تعالی در اولین روز تشکیل اجتماع بشری، و بروز اختلافهای حیوانی در بینشان کتاب برای آنان نازل کرد، یعنی شریعت و قانونی بر ایشان تشریع کرد تا در اختلافهایی که در امور زندگی و حیوانیشان رخ می دهد حکومت کند، ولی بشر بعد از آمدن شریعت هم آن اختلافهای قبلی را در شریعت خدا سرایت دادند، با اینکه حق برایشان روشن شده و حجت بر آنان تمام گشته بود، پس به حکم این آیات، عموم بشر مشمول کتب آسمانی بوده و هستند، چیزی که هست در اثر اختلاف (ناشی از پیروی هوای نفس)، بشر چند طایفه شدند، بعضی ها به کلی فراموش کردند که کتابی از ناحیه آفریدگارشان برایشان نازل شده، و بعضی دیگر این معنا را از یاد نبردند و لیکن هوای نفس را در دین خدا رخنه داده، به دینی تحریف شده متدین شدند، طایفه ای دیگر دین خدا را بدون کم و کاست حفظ کرده، بدان متدین شدند، اینک یکی از آن آیات از نظر خواننده می گذرد:

" کانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ

مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّناتُ بَغْياً بَيْنَهُمْ"

---

(۱) و چون بعثت عیسی برای روشنگری و بیان بود، به مردم خود گفت: من برای شما حکمت آوردم، تا برایتان بیان کنم پاره ای از آنچه رای که مورد اختلاف شما است، پس از خدا پروا نموده مرا اطاعت کنید، و بدانید که اللَّه تعالی تنها رب من و رب شما است، پس تنها او رای بپرستید، که این است صراط مستقیم، ولی گروه ها در بین خود اختلاف کردند. سوره زخرف، آیه ۶۲ - ۶۵.

صفحه ی ۵۷۵

«۱»، که تفسیرش گذشت.

و در این معنا است آیه ای دیگر که می فرماید:" تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنا بَعْضَهُمْ ... وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّناتُ وَ لكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ" «۲».

و کوتاه سخن اینکه: جمله" الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ" اعم از اهل کتاب است، و بنا بر این، جمله" وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ ..." شامل مشرکین می شود، همانطور که شامل اهل کتاب می شود.

" وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفاءَ ..."

ضمیر در جمله" امروا" به همان الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ" بر می گردد، می فرماید: رسالت رسول اسلام (ص) و" كُتُبٌ قَيِّمَةٌ" که در صحف وحی است این کفار از اهل کتاب و مشرکین را امر نمی کند مگر به عبادت خدای تعالی، به قید اخلاص در دین، پس باید که چیزی را شریک او نگیرند.

کلمه" حنفاء" حال است از ضمیر جمع در" لیعبدوا"، و این کلمه

جمع حنیف است، که از ماده حنف است که به معنای متمایل شدن و انحراف از دو حالت افراط و تفریط به سوی حالت اعتدال است، و خدای تعالی اسلام را بدین جهت دین حنیف خوانده که خلق را دستور می دهد به اینکه در تمامی امور حد وسط و حالت اعتدال را از دست ندهند، و از انحراف به سوی افراط و تفریط بپرهیزند.

و جمله" وَ يُقِيمُوا الصَّلاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ" از باب ذکر خاص بعد از عام، و یا ذکر جزء بعد از کل است، که در مواردی صورت می گیرد، که گوینده به آن فرد خاص عنایت بیشتری دارد، در اینجا نیز خدای تعالی بعد از ذکر کلی عبادت، نماز و زکات را ذکر کرد، چون این ________________

(۱) مردم قبل از بعثت انبیاء همه یک جور بودند، (اختلاف شیرازه زندگیشان را گسیخت)، و لذا خدای تعالی پیامبران مبشر و منذر را مبعوث نموده، با ایشان کتابهای به حقی نازل کرد، تا در بین مردم در آنچه اختلاف می کردند داوری کند، و این امت واحده متفرق و دسته دسته نشدند مگر همانهایی که کتاب برایشان نازل شد، و مگر بعد از آنکه حجت برایشان تمام شد، و اختلاف نکردند مگر به انگیزه دشمنی که بین خود داشتند. سوره بقره، آیه ۲۱۳.

(۲) اینها رسولان بودند که ما بعضی را بر بعضی برتری دادیم ... و اگر خدا می خواست می توانست کاری کند که مردم بعد از انبیا و بعد از تمامیت حجت بر آنان به جان هم نیفتند، ولی اختلاف کردند، بعضی ایمان آوردند و برخی کافر شدند. سوره بقره، آیه ۲۵۳ - ۲۵۴.

دو عبادت

از ارکان اسلامند، یکی توجه عبودی خاصی است به درگاه خدای تعالی، و دیگری انفاق مال است در راه رضای او.

[توضیح اینکه از آیه:" وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ" استفاده می شود که دین توحید قائم به امر مجتمع بشری و حافظ مصالح حیاتشان است و رسالت پیامبر اسلام (صلّی الله علیه وآله وسلّم) شامل عموم بشر می شود]

" وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ"- یعنی این است دین کتب قیمه- مفسرین چنین معنا کرده اند. و مراد از" کُتُبٌ قَیِّمَهٌ" اگر همه کتابهای آسمانی یعنی کتاب نوح و پایین تر از او از سایر انبیا (ع) باشد، معنای جمله این می شود که: این دعوت محمدی که بشر به پذیرفتن آن مامور شده، دینی است که در همه کتابهای قیم آسمانی مکلف بدان بودند، و دین نوظهوری نیست، چون دین خدا همواره یکی بوده، پس بناچار باید به آن بگروند، برای اینکه قیم است.

و اگر مراد از کتب قیمه، معارفی است که رسول خدا (ص) از صحف مطهره برای آنان خوانده، معنای آیه چنین می شود که: مردم در دعوت اسلامی مامور نشده اند مگر به احکام و قضاهایی قیم، احکام و قضایایی که مصالح جامعه انسانی را تامین می کند، پس با در نظر گرفتن این معنا بر مردم واجب است به این دعوت ایمان آورده، و به این دین متدین شوند.

پس آیه شریفه به هر حال اشاره دارد به اینکه دین توحید (که قرآن کریم متضمن آن است، قرآنی که مصدق کتب آسمانی قبل از خویش و به حکم آیه ۴۸ از سوره مائده مهیمن و ما فوق آنها است)، با دستوراتی که به مجتمع بشری می دهد قائم به امر آنان و حافظ

مصالـح حیاتشان است، هم چنان که آیه زیر این معنا را با وافی ترین بیان خاطرنشان ساخته، می فرمایـد:" فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلـدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ " «۱».

و بـا این آیه بیان عمومیت رسالت رسول خـدا (ص) و شـمول و فراگیری دعوت اسـلامی عموم بشـر را، تکمیل می شود، پس اینکه فرمود:" لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ ..."، اشاره می کنـد به اینکه از نظر سـنت هـدایت الهی، بر خـدای تعالی است که همه عالم را هدایت نموده، لازم است حجتش را بر هر کسـی که کافر شده و دعوت او را نپذیرفته تمام کنـد، چه کـافر از اهـل کتـاب و چه از مشـرکین، گو اینکه در روز نزول آیه کفار از اهل کتاب و از مشـرکین بعضـی از کفار بودند نه همه آنان ولی این معنا را

---

(۱) روی دل خـود به سوی دین کن (در حـالی که از تمایـل به افراط و تفریـط پرهیز کرده، و متمایـل به راه وسـط باشـی) که فطرت خـدا همین است، فطرتی که خـدا مردم را بر آن فطرت خلـق کرده، و در خلقت خـدا تبـدیلی نیست این است دین قیم. سـوره روم، آیـه ۳۰.

به طور قطع می دانیم که در تعلق دعوت فرقی میان بعضـی با بعض دیگر نیست، اگر در عصـر نزول متعلق به بعضـی شده، باید که متعلق به کل کفار هم بشود.

و جمله" رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ" اشـاره دارد به اینکه آن بینه عبـارت است از محمـد (ص) و جمله" وَ ما تَفَرَّقَ ..." اشاره دارد به اینکه تفرقه و کفری که در سابق نسبت

به حق داشتند نیز بعد از آمدن بینه بوده.

و جمله" وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ ..." می فهماند که آنچه بدان دعوت شده اند، و مامور به آن گشته اند، دینی است قیم، که مصالح اجتماع بشریشان را تامین می کند، پس بر همه آنان لازم است به آن دین ایمان آورند و کفر نورزند.

[بهترین مردم و بدترین مردم

" إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نارِ جَهَنَّمَ خالِدِينَ فِيها أُولئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّهِ" بعد از آنکه از اشاره به کفرشان به بینه ای که به موجب سنت الهی برایشان آمده بود، فارغ شد، و نیز بعد از آنکه بیان کرد که دین قیم به چه چیز دعوت می کند، شروع کرد به انذار و تهدید کفار، و وعده به مؤمنین. و کلمه" بریه" به معنای خلق است، می فرماید کسانی که از اهل کتاب و مشرکین به این بینه کافر شدند، در آتش جهنم و به طور دائم خواهند بود، این گونه افراد بدترین خلق خدایند (چون نعمت هدایت بالاترین نعمت های الهی است، و کفران آن بدترین کفرانها است).

" إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ" در این آیه خیریت را منحصر در مؤمنین کرده، که اعمال صالح می کنند، هم چنان که در آیه قبلی شریت را منحصر در کفار می کرد، (و این انحصار از آوردن ضمیر" هم" استفاده می شود، چون اگر فرموده بود:" اولئك شر البريه" معنایش این می شد که ایشان بدترین خلقند، و این منافات نداشت با اینکه اشخاص دیگری هم بدترین خلق باشند، ولی عبارتی که در آیه آمده معنایش این است که ایشان، آری ایشانند بدترین خلق).

" جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

... ذلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ" کلمه" عـدن" به معنای اسـتقرار و ثبات است، پس جنات عدن به معنای بهشت های خالد و جاودانه است، و توصـیف دوباره اش به اینکه خیر البریه در آن بهشت ها خالدند و ابدا خالدند تاکید همان جاودانگی است، که اسم" عدن" بر آن دلالت داشت" رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ"- خدا از ایشان راضـی است، و رضایت خدا از صفات فعل خداست و مصداق و مجسـم آن همـان ثـوابی اسـت کـه بـه ایشـان عطـا می کنـد، تـا جزای ایمـان و

اعمال صالحشان باشد.

" ذلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ"- این جمله علامت بهشتیان و آنان که به سعادت آخرت می رسند را بیان می کند، می فرماید: علامت خیر البریه و آنهایی که به جنات عدن می رسند این است که از پروردگار خود ترس دارند. در جای دیگر هم فرموده:" إِنَّما يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ" «۱»، پس علم به خدا خشیت از خدا را به دنبال دارد، و خشیت از خدا هم ایمان به او را به دنبال دارد، یعنی کسی که از خدا می ترسد، قهرا در باطن قلبش ملتزم به ربوبیت و الوهیت او است، و در ظاهر هم ملازم با اعمال صالح است.

این را هم بدان که مفسرین در تفسیر مفردات این آیات به شدت اختلاف کرده، اقوالی بسیار دارند که چون فایده ای در تعرض آنها نبود از نقل آنها و پاسخ دادن و اشکال کردن به آنها صرفنظر شد، خواننده می تواند به تفسیرهای مطول مراجعه نماید.

بحث روایتی [(چند روایت در باره اینکه مراد از" خیر البریه- بهترین مردم" امیر المؤمنین (علیه السلام) و شیعیان اویند)]

در تفسیر قمی در روایت ابی الجارود از امام ابی

جعفر (ع) آمده که فرمود: منظور از کلمه" بینه" رسول خدا (ص) محمد (صلوات اللَّه علیه) است «۲».

و در الدر المنثور است که ابن مردویه از عایشه روایت کرده که گفت: به رسول خدا (ص) عرضه داشتم: یا رسول اللَّه گرامی ترین خلق نزد خدای عز و جل کیست؟ فرمود: ای عایشه مگر آیه شریفه" إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ" را نمی خوانی «۳».

و در همان کتاب است که ابن عساکر از جابر بن عبد اللَّه روایت کرده که گفت: نزد رسول خدا (ص) بودیم که علی (ع) از راه رسید، رسول خدا (ص) فرمود: به آن خدایی که جانم به دست او است، این مرد و پیروانش (شیعیانش) تنها و تنها رستگاران در قیامتند، آن گاه این آیه نازل شد:" إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ"، از وقتی که این آیه نازل شد اصحاب رسول خدا

---

(۱) تنها علماء هستند که از خدا می ترسند. سوره فاطر، آیه ۲۸.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۲.

(۳) الـــــدر المنثـــــور، ج ۶، ص ۳۷۹.

(ص) هر وقت علی را می دیدند که دارد می آید می گفتند:" خَيْرُ الْبَرِيَّهِ" آمد «۱».

مؤلف: الدر المنثور این معنا را از ابن عدی از ابن عباس نیز نقل کرده، و نیز از ابن مردویه آورده «۲».

و نیز تفسیر برهان آن را از موفق بن احمد- در کتاب المناقبش- از یزید بن شراحیل انصاری کاتب علی (ع) از آن جناب روایت کرده و در عبارت یزید بن شراحیل چنین آمده: من از علی شنیدم می فرمود: رسول خدا (ص) از دنیا می رفت در حالی که سر آن جناب را

به سینه ام تکیه داده بودم، در آن حال فرمود: یا علی مگر نشنیدی کلام خدای عز و جل را که می فرماید:" إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ"، این" خیر البریه" شیعیان تواند، موعدم و موعد شما حوض است، وقتی که تمامی امت ها برای حساب جمع می شوند، شیعیان تو بنام و لقب پیشانی سفیدان خوانده می شوند «۳».

و در مجمع البیان از مقاتل بن سلیمان از ضحاك از ابن عباس روایت کرده که در تفسیر کلمه" هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ" گفته است: این آیه شریفه در باره علی و اهل بیتش نازل شده «۴».

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

(۳) تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۹۲، ح ۱۵.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۴.

تفسیر نمونه

سوره بینه

مقدمه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای ۸ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره بینه

مشهور این است که این سوره در مدینه نازل شده است ، و محتوای آن نیز گواه بر همین معنی است ، چرا که در آن مکرر از اهل کتاب بحث شده ، و میدانیم سر و کار مسلمانان با اهل کتاب بیشتر در مدینه بود.

از این گذشته سخن از نماز و زکات هر دو به میان آمده ، درست است که زکات در مکه تشریع شده بود، ولی رسمیت و گسترش آن در مدینه بود.

به هر حال این سوره اشاره به رسالت جهانی پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و آمیخته بودن آن با دلائل و نشانه های روشن ، می کند، رسالتی که قبلا آن را انتظار می کشیدند ولی هنگامی که به سراغشان آمد گروهی به

خاطر اینکه منافع مادیشان به خطر می افتاد به آن پشت کردند.

در ضـمن این حقیقت را نیز در بردارد که اصـول دعـوت انبیـاء، ماننـد ایمـان و توحیـد و نمـاز و روزه ، اصـولی است ثـابت و جاودانی که در همه ادیان آسمانی وجود داشته است .

و در بخش دیگری از این سوره موضع گیریهای مختلف اهل کتاب و مشرکان را در برابر اسلام مشخص می کند که آن گروه که ایمان آوردنـد و اعمال صالـح انجام دادنـد بهترین مخلوقاتند، و آن گروه که راه کفر و شـرک و گناه پیش گرفتند بدترین مخلوقات محسوب می شوند.

این سوره دارای نامهای متعـددی است که به تناسب الفاظ آن انتخاب شـده ، اما از همه معروف تر سوره ((بینه)) و ((لم یکن)) و ((قیمه)) است .

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در فضیلت تلاوت این سوره چنین نقل شده :

اگر مردم می دانستند چه برکاتی این سوره دارد خانواده و اموال را رها کرده ، به فرا گرفتن آن می پرداختند!

مردی از قبیله خزاعه عرض کرد: ای رسول خدا! تلاوت آن چه اجر و پاداشی دارد؟

فرمود: هیـچ منافقی آن را قرائت نمی کنـد، و نه کسانی که شک و تردید در دلشان است ، به خدا سوگند فرشـتگان مقرب از آن روز که آسـمانها و زمین آفریـده شـده است آن را می خوانند، و لحظه ای در تلاوت آن سـستی نمی کنند، هر کس آن را در شب بخواند خداوند فرشتگانی را مامور می کند که دین و دنیای او را حفظ کنند، و آمرزش و رحمت برای

او بطلبنـد، و اگر در روز بخوانـد به اندازه آنچه روز آن را روشن می کند و شب آن را تاریک می سازد ثواب به او می دهند. <۱>

تفسیر :

این است آئین جاویدان

در آغاز سوره به وضع اهل کتاب (یهود و نصاری) و مشـرکان عرب قبل از ظهور اسـلام پرداخته می گوید: آنها مدعی بودند مـا دست از آئین خود بر نمی داریم تـا دلیـل روشـنی و پیـامبر مسـلمی برای مـا بیایـد (لم یکن الـذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین منفکین حتی تاتیهم البینه).

پیامبری که از سوی خدا باشد، و صحیفه های پاک و پاکیزهای را بر ما بخواند (رسول من الله یتلوا صحفا مطهره).

صحیفه هائی که در آن نوشته های درست و موزون و ثابت و پر ارزش باشد

(فیها کتب قیمه).

آری آنها قبل از ظهور پیغمبر اسـلام (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) چنین ادعائی را داشتند، ولی بعد از ظهور او و نزول کتاب آسـمانیش صحنه عوض شد، و آنها در دین خدا اختلاف کردند و اهل کتاب اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن و پیامبر راستین و آشکار برای آنها آمد، (و ما تفرق الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءتهم البینه).

به این ترتیب آیـات فوق ادعـای اهـل کتاب و مشـرکان را بازگو می کنـد که در آغاز اصـرار داشـتند که اگر پیامبری با دلائل روشن برای دعوت ما بیاید پذیرا می شویم .

ولی بعد از آمدنش از این قول خود سرباز زدند، و با او به مقابله و ستیز برخاستند، جز گروهی که طریق ایمان را پیش

گرفتند.

بنـابراین آیه فـوق شـبیه چیزی است که در سوره بقره آیه ۸۹ آمـده است : و لمـا جائهم کتاب من عنـد الله مصـدق لما معهم و کانوا من قبل یسـتفتحون علی الـذین کفروا فلما جائهم ما عرفوا کفروا به فلعنه الله علی الکافرین : هنگامی که از طرف خداوند کتابی برای آنها آمـد که موافق نشانه هائی بود که با خود داشـتند، و پیش از آن به خود نویـد فتـح می دادند، هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد.

می دانیم اهـل کتـاب انتظـار چنین ظهوری را داشـتند، و قاعـده مشـرکان عرب که اهـل کتاب را از خود عالم تر و آگاه تر می دانسـتند نیز در این برنـامه با آنها همصـدا بودنـد، ولی بعـد از تحقق آرزوهایشان مسـیر خود را تغییر دادنـد و به صف مخالفان پیوستند.

جمعی از مفسـران اعتقـاد دیگری در تفسـیر این آیـات دارنـد، و آن اینکه : منظور این است که آنهـا واقعـا نه بر حسب ادعا از آئین خود دست بر نمی داشتند و منفک و جدا نمی شدند، تا دلیل روشنی به سراغشان آید.

ولی مفهوم این سـخن آن است که بعـد از آمـدن چنین دلیل روشـنی ایمان آوردند، در حالی که آیات بعد نشان می دهد این مطلب چنین نبـود، مگر اینکه گفته شود منظور ایمـان آوردن گروهی از آنهـا است هر چنـد در اقلیت باشـند، و به اصـطلاح از قبیل موجبه جزئیه است

ولی به هر حال این تفسیر بعید به نظر می رسد، و شاید به همین دلیل فخر رازی در تفسیر خود

آیه نخست را از پیچیده ترین آیات قرآن می شمرد که در تضاد با آیات بعد است ، و بعد برای حل مشکل طرقی ذکر می کند که بهترین آن همان است که ما در بالا آوردیم .

در اینجا تفسیر سومی نیز وجود دارد و آن اینکه : منظور این است که خداوند مشرکان و اهل کتاب را به حال خود رها نمی کند، تا زمانی که به آنان اتمام حجت نماید، و بینه ای بفرستد، و راه را به آنان نشان دهد و لذا پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را برای هدایت آنها فرستاد.

در حقیقت این آیه اشاره به قاعده لطف است که در علم کلام مطرح می باشد که خداوند برای هر قوم و ملتی دلائل روشن را برای اتمام حجت خواهد فرستاد. <۲>

به هر حال منظور از ((بینه)) در اینجا دلیل روشن است که مصداق آن طبق آیه دوم شخص ((رسول الله)) است ، در حالی که قرآن مجید را بر زبان داشت .

((صحف)) جمع ((صحیفه)) به معنی اوراقی است که چیزی بر آن می نویسند، و منظور از آن در اینجا محتوای اوراق است ، زیرا می دانیم پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) هرگز چیزی را از روی اوراق نمی خواند.

و منظور از ((مطهره)) پاک بودن آن از هر گونه شرک و کذب و دروغ و باطل است ، و مطهر از اینکه شیاطین جن و انس در آن دخالت کنند.

همانگونه که در آیه ۴۲ فصلت آمده است : لا یاتیه الباطل من بین یدیه

و لا من خلفه : هیچگونه باطلی نه از پیش رو، و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید.

جمله ((فیها کتب قیمه)) اشاره به این است که در این صحف آسمانی مطالبی نوشته شده که از هر گونه انحراف و اعوجاج و کجی برکنار است . بنابراین ((کتب)) به معنی مکتوبات است و یا به معنی احکام و مقرراتی که از ناحیه خداوند تعیین شده است ، زیرا کتابت به معنی تعیین حکم نیز آمده ، چنانکه می فرماید: کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم روزه بر شما مقرر شد همانگونه که بر پیشینیان مقرر گردید (بقره ۱۸۳).

و به این ترتیب ((قیمه)) به معنی صاف و مستقیم ، یا محکم و پابرجا، یا ارزشمند و پربها، و یا همه این مفاهیم در آن جمع است .

این احتمال نیز داده شده که چون قرآن تمام محتوای کتب پیشین را با اضافات فراوانی در بر دارد و لذا گفته شده که در آن کتب قیمه گذشته است . قابل توجه اینکه در آیه اول اهل کتاب مقدم بر مشرکان ذکر شده اند، و در آیه چهارم تنها سخن از اهل کتاب است و از مشرکان سخنی به میان نیامده ، در حالی که آیه ناظر به هر دو است .

این تعبیرات ظاهرا به خاطر آن است که اهل کتاب در این برنامه ها اصل و اساس بودند، و مشرکان تابع آنها، و یا به خاطر آن است که اهل کتاب

در خور مذمت بیشتری بودند، چرا که آنها علما و دانشمندان فراوانی داشتند، و از این نظر در سطحی بالاتر

از مشرکان قرار گرفته بودند، بنابراین مخالفت آنها زشت تر و ناپسندتر بود و در خور سرزنش فراوان .

سپس اهل کتاب و به تبع آنها مشرکان را مورد ملامت قرار داده ، می گوید: چرا در این آئین جدید اختلاف کردند، بعضی مؤ من و بعضی کافر شدند، در حالی که در این آئین دستوری به آنها داده نشده است جز اینکه خدا را پرستش کنند، و عبادت او را از عبادت غیر او خالص سازند، و از هر گونه شرک باز گردند و متمایل به توحید شوند، نماز را بر پا دارند و زکات را ادا کنند (و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤ توا الزکاه). <۳>

سپس می افزاید:

((و این است آئین مستقیم و پایدار)) (و ذلک دین القیمه).

در اینکه منظور از ((و ما امروا))... در اینجا چیست جمعی گفته اند منظور این است که اهل کتاب در آئین خودشان مساءله توحید و نماز و زکات وجود داشته و اینها مسائلی است ثابت ، ولی آنها به این دستورات نیز وفادار نمانده اند.

دیگر اینکه در آئین اسلام دستوری جز توحید خالص و نماز و زکات و مانند

آن نیامده ، و اینها اموری هستند شناخته شده ، چرا از قبول آن سرباز می زنند؟ و در پذیرش آن اختلاف می کنند.

معنی دوم نزدیک تر به نظر می رسد، زیرا به دنبال آیه قبل که سخن از اختلاف آنها در پذیرش آئین جدید می گفت مناسب همین است که ((امروا)) ناظر به آئین جدید باشد.

از این گذشته معنی اول تنها در باره اهل

کتاب صادق است و مشرکان را شامل نمی شود، در حالی که معنی دوم همگان را شامل می شود.

منظور از ((دین)) که باید آن را برای خدا خالص کنند به عقیده بعضی از مفسران همان ((عبادت)) است ، و جمله ((الا لیعبدوا الله)) که قبل از آن ذکر شده نیز همین معنی را تاءیید می کند

ولی این احتمال وجود دارد که منظور مجموعه دین و شریعت باشد، یعنی آنها ماءمور شده بودند که خدا را پرستش کنند و دین و آئین خود را در تمام جهات خالص گردانند، این معنی با گستردگی مفهوم دین سازگارتر است ، و جمله بعد ((و ذلک دین القیمه)) که دین را به معنی وسیع مطرح کرده همین معنی را تاءیید می کند.

((حنفا)) جمع ((حنیف)) از ماده حنف (بر وزن کنف) به گفته راغب در مفردات به معنی تمایل یافتن از گمراهی به سوی راه مستقیم است ، و عرب تمام کسانی را که حج بجا می آوردند یا ختنه می کردند حنیف می نامید، اشاره به اینکه آنها بر آئین ابراهیم بوده اند و احنف به کسی گفته می شود که پای او کث باشد.

رویهمرفته از کتب مختلف لغت چنین به دست می آید که این واژه در اصل به معنی انحراف و کجی بوده ، منتها در قرآن و اخبار اسلامی به معنی انحراف از شرک به سوی توحید و هدایت به کار رفته است .

انتخاب این تعبیر ممکن است در اصل به این دلیل باشد که جامعه های بت پرست هر کسی که آئین آنها را رها می کرد و به

سوی توحید گام بر می داشت او را حنیف (منحرف) می شمردند، و تدریجا این تعبیر برای پویندگان راه توحید به عنوان یک تعبیر رائج شناخته شد که در حقیقت مفهومش انحراف از ضلالت به هدایت بود، و لازمه آن همان توحید خالص و اعتدال کامل و اجتناب از هر گونه افراط و تفریط است ، ولی نباید فراموش کرد که اینها معانی ثانوی این کلمه است .

جمله ((و ذلک دین القیمه)) <۴> اشاره به آن است که این اصول یعنی توحید خالص و نماز (توجه به خالق) و زکات (توجه به خلق) از اصول ثابت و پابرجای همه ادیان است ، بلکه می توان گفت اینها در متن فطرت آدمی قرار دارد.

زیرا از یکسو سرنوشت انسان بر مساءله توحید است ، و از سوی دیگر فطرتش او را دعوت به شکر منعم و معرفت و شناخت او می کند، و از سوی سوم روح اجتماعی و مدنیت انسان او را به سوی کمک به محرومان فرا می خواند.

بنابراین ریشه این دستورات به صورت کلی در اعماق همه فطرتها جای دارد، لذا در متن تعلیمات همه انبیای پیشین و پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) قرار گرفته است . بهترین و بدترین مخلوقات !

در آیات گذشته آمده بود که کفار اهل کتاب و مشرکان در انتظار این بودند که دلیل روشنی از سوی خداوند سراغ آنها بیاید، ولی بعد از آمدن ((بینه)) متفرق و پراکنده شدند و هر کدام راهی را پیش گرفتند.

در آیات مورد بحث به دو گروه کافران و مؤ منان در برابر این

دعوت الهی ، و سرانجام کار هر یک از آنها اشاره می کند.

نخست می فرماید: کسانی که از اهل کتاب و مشرکان به این آئین جدید کافر شدند در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند، آنها بدترین مخلوقاتند! (ان الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم خالدین فیها اولئک هم شر البریه).

تعبیر به ((کفروا)) اشاره به کفرشان در مقابل آئین اسلام است ، و گر نه کفر و شرک قبلی آنها مطلب تازه ای نیست .

تعبیر اولئک هم شر البریه (آنها بدترین مخلوقاتند) تعبیر تکان دهنده ای است که نشان می دهد در میان تمام جنبندگان و غیر جنبندگان موجودی مطرودتر از کسانی که بعد از وضوح حق و اتمام حجت راه راست را رها کرده در ضلالت گام می نهند یافت نمی شود، و این در حقیقت شبیه چیزی است که در آیه ۲۲ سوره انفال آمده است : ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون : بدترین جنبندگان نزد خداوند افرادی هستند که نه گوش شنوا دارند و نه زبان گویا و نه اندیشه بیدار!

و یا آنچه در سوره اعراف آیه ۱۷۹ آمده که بعد از ذکر گروه دوزخیان با همین اوصاف می فرماید: اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون :

((آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراهتر، آنها غافلانند)).

آیه مورد بحث مطلبی فراتر از اینها نیز دارد چرا که آنها را بدترین مخلوقات معرفی کرده ، و این در حقیقت به منزله بیان دلیلی است برای خلود آنها در آتش دوزخ .

چرا آنها بدترین مخلوقات نباشند در حالی که تمام درهای سعادت به رویشان گشوده

شـده و از روی کبر و غرور و عناد و لجاج آگاهانه به مخالفت برخاسـتند. مقـدم داشـتن اهل کتاب بر مشـرکان در این آیه نیز ممکن است به خاطر این باشد که آنها دارای کتاب آسمانی و علما و دانشمندان بودند و نشانه های پیغمبر اسلام در کتب آنها صریحا آمده بود، بنابراین مخالفت آنها زشت تر و بدتر بود.

در آیه بعـد به گروه دوم که نقطه مقابل آنها هسـتند و در قوس صـعودی قرار دارنـد اشاره کرده می فرمایـد: کسانی که ایمان آوردنـد و اعمال صالح انجام دادند آنها بهترین مخلوقات خدا هسـتند (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه).

سپس پـاداش آنها را در چنـد جمله کوتاه چنین بیان می کنـد: جزای آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویـدان است که نهرها از زیر درختانش پیوسـته جاری است ، در حالی که همیشه در آن میماننـد (جزاؤ هم عنـد ربهم جنات عـدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا).

((هم خدا از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنود)) (رضی الله عنهم و رضوا عنه).

و این مقام والا و پاداشهای مهم و بی نظیر از آن کسی است که از پروردگارش بترسد (ذلک لمن خشی ربه).

قابل توجه اینکه در مورد مؤ منان سـخن از انجام اعمال صالـح نیز به میان آمده که در حقیقت میوه درخت ایمان است ، اشاره به اینکه ادعای ایمان به تنهائی کافی نیست ، بلکه اعمال انسان بایـد گواه بر ایمان او باشد، ولی کفر به تنهائی هر چند توام با عمل ناصالحی نیز نباشد مایه سقوط و بدبختی است ، گذشته

از این کفر معمولا مبداء انواع گناهان و جنایات و اعمال خلاف نیز می شود.

تعبیر ((اولئک هم خیر البریه)) به خوبی نشان می دهد که انسانهای مؤ من و صالح العمل حتی از فرشتگان برتر و بالاترند، چرا که آیه مطلق است ، و هیچ استثنائی در آن نیست ، آیات دیگر قرآن نیز گواه بر این معنی می باشد ، مانند آیات سجود فرشتگان بر آدم ، و آیه و لقد کرمنا بنی آدم (اسراء - ۷۰).

به هر حال در این آیه نخست از پاداش مادی و جسمانی آنها که باغهای پر نعمت بهشتی است سخن به میان آمده ، و بعد از پاداش معنوی و روحانی آنان که هم خدا از آنان راضی است و هم آنان از خدا راضی .

آنها از خدا راضی اند چرا که هر چه خواسته اند به آنها داده ، و خدا از آنها راضی است چرا که هر چه او خواسته انجام داده اند، و اگر هم لغزشی بوده به لطفش صرف نظر کرده ، چه لذتی از این برتر و بالاتر که احساس کند مورد قبول و رضای معبود و محبوبش واقع شده ، و به لقای او واصل گردیده است .

دارند هر کس از تو مرادی و مطلبی

مقصود ما ز دنیی و عقبی لقای تو است !

آری بهشت جسم انسان ، باغهای جاویدان آن جهان است ، ولی بهشت جانش رضای خدا و لقای محبوب است .

جمله ((ذلک لمن خشی ربه)) نشان می دهد که تمام این برکات از ((خوف

و خشیت و ترس از خدا)) سرچشمه می گیرد، چرا که همین ترس

انگیزه حرکت به سوی هر گونه اطاعت و تقوی و اعمال صالح است .

بعضـی از مفسـران با ضـمیمه کردن این آیه به آیه ۲۸ سوره فـاطر انما یخشـی الله من عباده العلماء تنها دانشـمندان از خـدا می ترسند چنین نتیجه گرفته اند که بهشت در واقع حق مسلم دانشمندان و آگاهان است .

البته بـا تـوجه به اینکه خشـیت مراتب و مراحلی دارد و علم و دانش و آگـاهی نیز دارای سلسـله مراتب است مفهوم این سـخن روشن می شود.

ضمنـا بعضـی عقیـده دارنـد که مقـام ((خشـیت)) مقامی برتر از مقام ((خوف)) است ، زیرا خوف به هر گونه ترس گفته می شود ولی خشیت ترسی است تواءم با تعظیم و احترام .

۱ - علی (علیه السلام) و شیعیانش خیر البریه اند

در روایـات فراوانی که از طرق اهل سـنت و منابع معروف آنها، و همچنین در منابع معروف شـیعه نقل شـده ، آیه ((اولئک هم خیر البریه)) (آنها بهترین مخلوقات خدا هستند) به علی (علیه السلام) و پیروان او تفسیر شده است .

((حـاکم حسـکانی)) نیشـابوری کـه از دانشـمندان معروف اهـل سـنت در قرن پنجـم هجری اسـت ایـن روایـات را در کتـاب معروفش ((شواهـدالتنزیل)) بـا اسـناد مختلـف نقـل می کنـد، و تعـداد آن بیش از بیست روایت است که به عنـوان نمونه چند روایت را از نظر می گذارنیم :

۱ - ((ابن عبـاس)) می گویـد: هنگامی که آیه ان الـذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه نازل شـد پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به علی (علیه السلام) فرمود:

هو انت و

شیعتک تاتی انت و شیعتک یوم القیامه راضیین مرضیین ، و یاتی عدوک غضبانا مقحمین :

منظور از این آیه تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود (در بعضی از نسخه های حدیث مقمحین آمده است که به معنی بالا نگاه داشتن سر به وسیله غل و زنجیر می باشد). <۵>

۲ - در حدیث دیگری از ((ابوبرزه)) آمده است که وقتی پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) این آیه را قرائت کرد، فرمود: هم انت و شیعتک یا علی ، و میعاد ما بینی و بینک الحوض : آنها تو و شیعیانت هستید، ای علی ! و وعده من و شما کنار حوض کوثر است !. <۶>

۳ - در حدیث دیگری از ((جابر بن عبدالله انصاری)) آمده است که ما خدمت پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) کنار خانه خدا نشسته بودیم علی (علیه السلام) به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به او افتاد فرمود: قد اتاکم اخی : برادرم به سراغ شما می آید سپس رو به کعبه کرد: فقال و رب هذه البنیه ! ان هذا و شیعته هم الفائزون یوم القیامه : به خدای این کعبه قسم که این مرد و شیعیانش در قیامت رستگارانند سپس رو به سوی ما کرد و افزود:

اما و الله

انه اولکم ایمانـا بالله ، و اقومکم بامر الله ، و اوفاکم بعهـد الله و اقضاکم بحکم الله و اقسـمکم بالسویه ، و اعـدلکم فی الرعیه ، و اعظمکم عند الله مزیه .

قال ((جابر)): فانزل الله : ((ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات

اولئک هم خیر البریه)) فکان علی اذا اقبل قال اصحاب محمد (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) قد اتاکم خیر البریه بعد رسول الله .

به خـدا سوگنـد او قبل از همه شـما به خدا ایمان آورد، و قیام او به فرمان خدا بیش از همه شـما است ، وفایش به عهد الهی از همه بیشتر، و قضـاوتش به حکم الله افزونتر، و مسـاواتش در تقسـیم (بیت المال) از همه زیادتر، عـدالتش درباره رعیت از همه فزون تر، و مقامش نزد خداوند از همه بالاتر است .

جـابر می گویـد: در اینجـا خداونـد آیه ان الـذین آمنوا و عملوا الصالحـات اولئک هم خیر البریه را نازل فرمود و از آن به بعد هنگامی که علی (علیه السـلام) می آمـد یاران محمـد (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) می گفت ند: بهترین مخلوق خدا بعد از رسول الله آمد!. <۷>

نزول این آیه در کنار خانه کعبه منافات با مدنی بودن سوره ندارد، زیرا ممکن است از قبیل نزول مجدد، و یا تطبیق بوده باشد، بعلاوه بعید نیست که نزول این آیات در سـفرهائی که پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) از مدینه به مکه آمده اسـت واقع شده باشد، به خصوص اینکه راوی روایت جابر بن عبد الله انصاری است که در مدینه

به حضرت ملحق شد، و اطلاق مدنی بر اینگونه آیات بعید نیست .

بعضی از این احادیث را ((ابن حجر)) در کتاب ((صواعق)) آورده و بعضی را محمد ((شبلنجی)) در ((نور الابصار)). <۸>

((جلال الدین سیوطی)) در ((در المنثور)) نیز قسمت عمده روایت اخیر را از ((ابن عساکر)) از ((جابر بن عبدالله)) نقل کرده است . <۹>

۴ - در ((درالمنثور)) از ((ابن عباس)) آمده است که وقتی آیه ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه نازل شد پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به علی فرمود: هو انت و شیعتک یوم القیامه راضیین مرضیین : آن تو و شیعیان تو در قیامت می باشید که هم شما از خدا خشنود هستید و هم خدا از شما خشنود! <۱۰>

۵ - نامبرده در حدیث دیگری از ابن مردویه از علی (علیه السلام) نقل می کند که پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به من فرمود: ا لم تسمع قول الله : ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه ؟ انت و شیعتک و موعدی و موعدکم الحوض ، اذا جئت الامم للحساب ، تدعون غرا محجلین : آیا این سخن خدا نشنیده ای که می فرماید: کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند بهترین مخلوقاتند؟ این تو و شیعیان تو هستید، و وعده گاه من و شما کنار حوض کوثر است ، هنگامی که من برای حساب امتها می آیم و شما دعوت می شوید در حالی که پیشانی سفید و شناخته

شده اید. <۱۱>

بسیاری دیگر از دانشمندان اهل سنت نیز همین مضمون را در کتب خود نقل کرده اند از جمله خطیب خوارزمی در ((مناقب)) و ((ابو نعیم اصفهانی)) در ((کفایه الخصام)) و ((علامه طبری)) در ((تفسیر معروفش)) و ابن صباغ مالکی در ((فصول المهمه)) و ((علامه شوکانی)) در ((فتح الغدیر)) و ((شیخ سلیمان قندوزی)) در ((ینابیع الموده)) و آلوسی در ((روح المعانی)) ذیل آیات مورد بحث و جمعی دیگر.

کوتاه سخن اینکه حدیث فوق از احادیث بسیار معروف و مشهور است که از سوی غالب دانشمندان و علمای اسلام پذیرفته شده ، و این فضیلتی است بزرگ و بی نظیر برای علی (علیه السلام) و پیروانش .

ضمنا از این روایات به خوبی این حقیقت آشکار می شود که واژه ((شیعه))

از همان عصر رسول خدا (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به وسیله آن حضرت در میان مسلمین نشر شد، و اشاره به پیروان خاص امیر مؤ منان علی (علیه السلام) است ، و آنها که گمان می کنند تعبیر شیعه از تعبیراتی است که قرنها بعد به وجود آمده سخت در اشتباهند.

۲ - لزوم اخلاص نیت در عبادت

بعضی از علمای اصول فقه به آیه و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین برای لزوم قصد قربت در عبادات ، و اینکه اصل در اوامر تعبدی بودن است نه توصلی استدلال کرده اند، و این منوط به آن است که دین در اینجا به معنی عبادت بوده باشد، تا دلیل بر لزوم اخلاص در عبادات گردد و امر را در

این آیه به طور مطلق قرار دهیم تـا مفهومش لزوم قصـد قربت در همه اوامر باشـد (مگر مواردی که به دلیلی خـارج شـده) در حالی که مفهوم آیه ظاهرا هیـچ یک از اینها نیست ، بلکه مقصود اثبات توحید در مقابل شـرک است ، یعنی آنها جز به توحید دعوت نشده اند و با این حال ارتباطی با احکام فرعی ندارد.

۳ - قوس عجیب صعودی و نزولی انسان

از آیات این سوره به خوبی اسـتفاده می شود که هیچ مخلوقی در عالم فاصـله قوس صعودی و نزولیش به اندازه انسان نیست ، اگر دارای ایمان و اعمال صالح باشد (توجه داشـته باشید که عملوا الصالحات همه اعمال صالح را شامل می شود نه بعضی را) برترین خلق خدا است ، و اگر راه کفر و ضلالت و لجاج و عناد را بپوید چنان سقوط می کند که بدترین خلق خدا می شود!

این فاصله عظیم میان قوس صعودی و نزولی انسان گر چه مساءله

حسـاس و خطرنـاکی است ، ولی دلاـلت بر عظمت مقـام نوع بشـر و قـابلیت تکامـل او دارد، و طـبیعی است که در کنـار چنین قابلیت و اسـتعداد فوق العادهای امکان تنزل و سـقوط فوق العاده نیز باشـد. خداونـدا! برای رسـیدن به مقام شامخ خیر البریه از لطف تو استمداد می طلبیم . پروردگارا! ما را از شیعیان و پیروان آن بزرگ مردی قرار ده که برای این عنوان از همه شایسته تر است . بارالها! چنان اخلاصی مرحمت کن که جز تو را نپرستیم و به غیر تو عشق نورزیم .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر سوره دیگری

ایستاده ایم، به جاست که پیش از آغاز ترجمه و تفسیر آیات آن به شناسنامه اش بنگریم:

۱ - نام این سوره این سوره بااین نام ها خوانده شده است:

۱ - با نام «بیّنه»، به معنی «دلیل روشن و آشکار»، که به بیان امام باقر(ع) منظور محمد (ص) پیام آور خداست.(۲۳۴)

۲ - با نام «بریّه»، به معنی بهترین آفریدگان،

۳ - با نام «قیامت»، به معنی برپاشدن و فرارسیدن رستاخیز،

۴ - با نام «اهل کتاب» که اشاره به پیروان کتاب های آسمانی پیش دارد،

۵ - با عنوان «لم یکن»،

۶ - با نام «قیّمه»، به معنی ارزشمند و استوار،

۷ - و دیگر با عنوان انفکاک.

و همه این نام های چندگانه از آیات این سوره اقتباس شده است.

۲ - فرودگاه آن در این مورد دو نظر آمده است:

۱ - از دیدگاه برخی این سوره در مدینه بر قلب مصفای پیامبر فرود آمده است.

۲ - امّا پاره ای نیز برآنند که این سوره مکّی است.

۳ - شمار آیه های آن آیات این سوره به باور پاره ای هشت آیه، و به باور برخی نه آیه است. و از ۹۴ واژه و ۳۹۶ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت این سوره ۱ - از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأها کان یوم القیامه مع خیر البریّه مسافراً و مقیماً.(۲۳۵)

هر کس این سوره را در حال سفر و یا اقامت در مکه بخواند، در روز رستاخیز با بهترین آفریدگان خواهد بود.

۲ - و نیز آورده اند که فرمود:

لو یعلم الناس ما فی «لم یکن»

لعطلوا الاهل و المال و تعلموها.(۲۳۶)

اگر مردم می دانستند چه برکاتی در این سوره است، با رهاساختن ثروت و خاندان خویش، به فراگرفتن آن می پرداختند.

مردی پرسید: مگر چه پاداشی دارد؟

فرمود: این سوره را نه نفاقگرا تلاوت می کند و نه کسی که دلی تردیدگر و حق ناپذیر دارد، امّا به خدای سوگند که فرشتگان مقرّب از آن روزی که آسمان ها و زمین پدید آمده است، آن را می خوانند، و لحظه ای در تلاوت آن سستی نمی ورزند. هر کس آن را شب هنگام تلاوت کند، خدا فرشتگانی را گسیل می دارد تا از دین و دنیای او مراقبت کنند، و برای او آمرزش و رحمت از بارگاه خدا بخواهند، و اگر در روز آن را تلاوت کند، به اندازه آن چه روز آن را روشن می سازد و سیاهی شب آن را می پوشاند، به او پاداش خواهند داد.

مردی از قبیله «قیس» با شنیدن سخنان پیامبر برخاست و گفت: پدر و مادرم فدایتان باد، باز هم با سخن خود روشنگری کنید و ما را ارشاد فرمایید.

پیامبر فرمود: سوره های «نبأ»، «ق»، «بروج» و «طارق» را بیاموزید. اگر می دانستید در آموزش و تلاوت هدفدار و خالصانه آن ها چه پاداش پرشکوهی است، همه کارهای خود را وامی نهادید و به آموزش آن ها همت می گماشتید و به وسیله آن ها به بارگاه خدا نزدیک می شدید.

خدای بخشاینده به برکت خواندن و عمل به این ها هر گناهی جز گناه سهمگین شرک را می بخشد. و بدانید آن خدایی که فرمانروایی روز رستاخیز و سرای آخرت از آن اوست، در روز رستاخیز به هنگامه حسابرسی از کسانی که این سوره ها را خوانده و به مفاهیم و مقررات

آن ها عمل نموده اند دفاع خواهد کرد، و گناهانشان را خواهد بخشید.

۳ - از امام باقر آورده اند که فرمود:

من قرأ «لم یکن» کان بریئاً من الشرک و ادخل فی دین محمد(ص) و بعثه اللّه مؤمناً و حسابه الله حساباً یسیراً.(۲۳۷)

هر کس این سوره را بخواند و بدان دل دهد، از شرک و کفر رویگردان، و به دین محمد(ص) وارد می گردد. خدا در روز رستاخیز او را با ایمان بر می انگیزد و حسابرسی از او آسان خواهد بود.

۵ - دور نمایی از مفاهیم این سوره از آنجایی که در این سوره و آیات هشت گانه آن بارها از پیروان کتاب های آسمانی سخن رفته، و سر و کار اسلام و مردم مسلمان در مدینه با آنان بود، به باور بیشتر قرآن پژوهان حال و هوای سوره مدنی است، و این بحث ها در آن به تابلو رفته است:

در انتظار نویدها و بشارت ها،

آیین جاودانه حقگرایان و کمال طلبان،

روی گردانی از دلیل و برهان و دمیدن به آتش اختلاف،

فرمان اخلاص و راستی،

رابطه دوستانه با خدا،

فرمان رعایت حقوق انسان ها،

بدترین های روزگاران،

بهترین ها و مترقی ترین های روزگاران،

از ادعاها تا عملکردها،

اصول مشترک دعوت های آسمانی،

برترین پیشوا و بهترین رهروان.

۱ - کفرگرایان اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا این که آن دلیل آشکار برایشان آمد:

۲ - پیامبری از جانب خدا که صحیفه هایی پاک را بر آنان تلاوت می کرد.

۳ -[صحیفه هایی که در آن ها نوشته هایی استوار است.

۴ - و کسانی که کتاب [آسمانی به آنان داده شده است پراکنده نشدند مگر پس از آنکه دلیل آشکار برایشان آمد.

۵ - و فرمان نیافته بودنـد مگر این که با گرایش به حق، خدا را بپرسـتند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانیده، و نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین [آن نوشته های]استوار.

۶ - بی گمان کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدنـد و [نیز] شـرک گرایان در آتش دوزخند؛ در آنجا ماندگارند؛ اینان همان بدترین آفریدگانند.

۷ - بی تردید کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آنان همان بهترین آفریدگانند.

۸ - سـزای آنـان نزد پروردگارشـان باغهـایی جـاودانه اسـت که از زیر [درختـان آن جویبارهـا روان است؛ برای همیشه در آن جاودانه اند؛ خدا از آنان خشنود است و آنان از او خشنود؛ این [پاداش بزرگ از آن کسی است که از پروردگارش بترسد.

نگرشی بر واژه ها

انفکاک: به معنی جدا شدن و دست برداشتن از چیزی آمده است.

این واژه بیشتر در نفی آمده است، بسان «ما انفک» که به معنی «جدا نشد» آمده است. واژه «منفکین» در آیه، ممکن است اسم فاعل و یا مفعول، از همین فعل باشد.

بیّنه: دلیـل روشن و آشـکار، که در پرتو روشـنگری آن حق از باطـل جـدا می گردد. این واژه در اصـل به معنی جـداسازی دو پدیـده از یکـدیگر آمـده، و بـدان جهت که دلیـل و برهان روشن و روشـنگر، و نیز پیامبر و امام معصوم، و نیز گواه و شاهـد با وجود و بیان خود میان حق و باطل جدایی می افکنند، به آن ها «بیّنه» گفته می شود.

قیّمه: این واژه به معنی راست و صاف و بی انحراف، و نیز استوار و تزلزل ناپذیر و

ارزشمند و ارجدار آمده است.

حُنفاء: این واژه جمع «حَنیف» از ریشه «حنف» به معنی انحراف از بیراهه و گمراهی و تمایل به شاهراه راست و صاف و بی دست انداز آمده است. با این بیان واژه «حنفاء» را می توان به حقگرایان ترجمه کرد.

تفسیر

در سوره پیش خدای فرزانه روشنگری فرمود که کران تا کران آیات قرآن دلیل و برهان روشن و روشنگر بر حقانیت اسلام و رسالت محمد(ص) است، اینک در بیان حال و روز شرک گرایان و کفرگرایان می فرماید:

لَمْ یَکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ

کفرگرایان اهل کتاب و شرک گرایان عرب، بر این ادعا بودند که از راه خود دست بردار نخواهند بود، تا دلیلی روشن و روشنگر برای آنان بیاید.

در آیه شریفه «کفرگرایان اهل کتاب» به یهود و نصارا اشاره دارد، و «شرک گرایان»، به «بت پرستان عرب» که کتاب آسمانی نداشتند. واژه «تأتیهم» در قالب فعل مضارع است، امّا به معنی ماضی آمده است؛ بسان این آیه که می فرماید: و اتبعوا ما تتلوا الشیاطین...(۲۳۸)

و آنچه را شیطان صفت ها در حکومت خوانده بودند، پیروی کردند...

از «ابن عباس» آورده اند که: آنان از کفر و شرک خود دست بردار نبودند... و به باور پاره ای دیگر منظور این است که: آنان از کفر و شرک خویش دست بردار نخواهند بود، تا محمد(ص) بیاید و با دلیل های روشن و روشنگر خود گمراهی آنان را برایشان آشکار سازد و آنان را به سوی اسلام دعوت کند.

و از دیدگاه برخی منظور این است که: آنان از دین و آیین خود جدا نمی شدند تا دلیل و برهان روشنی بر

نادرستی راه و رسم آنان و درستی و حقانیت دعوت جدید بیاید و حقیقت را برای آنان آشکار سازد.

آن گاه در تفسیر واژه «بیّنه» می فرماید:

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَةً

پیام آوری از سوی خدا که صحیفه های پاک و پاکیزه را بر آنان تلاوت نماید.

منظور از «صحف» کتاب ها و نوشته های آسمانی است؛ نوشته ها و کتاب هایی که پاک و پاکیزه اند و جز فرشتگان در آسمان ها، کسی به آن ها دست نمی زند. منظور از آن پیامبر و فرستاده نیز، محمد(ص) است که خدا به وسیله او قرآن و سوره های آن را فرستاد، و آن حضرت آیات آن را بر آنان تلاوت نمود، و به توحید و تقوا و ایمان و اخلاص و راستی و عدالت دعوتشان فرمود.

سپس می افزاید:

فِيها كُتُبٌ قَيِّمَةٌ

صحیفه ها و کتاب هایی که در آن ها نوشته هایی درست و استوار و پر ارج است و حق را از باطل و درست را از نادرست جدا می سازد.

به باور «قتاده» واژه «مطهره» به معنی پاک و پاکیزه از هر دروغ و بافته های پوچ و بی اساس و زورمدارانه آمده، و منظور از صحیفه ها، نوشته ها و آیات و مطالب و مفاهیم روح پرور قرآن است؛ و آیه نشانگر آن است که آن حضرت پس از دریافت وحی، آن را حفظ می شد و از حفظ بر آنان تلاوت می کرد و نه از روی کتاب و نوشته.

امّا به باور «ابومسلم» منظوراز واژه «رسول» فرستاده ای از فرشتگان می باشد که نوشته هایی را از لوح محفوظ می آورد و تلاوت می کرد، آن گاه پیامبر آن ها را بر مردم می خواند.

از دیدگاه پاره ای منظور این است که: در

این قرآن پرشکوه و پر معنویت نوشته های ارجدار و پربها و به دور از هر انحراف و اشتباهی است که همه معارف و مفاهیم کتاب های آسمانی و پیشین در آن ها گنجانیده شده، و تلاوت گر قرآن در حقیقت تلاوت گر همه کتاب های آسمانی است.

با این بیان این دیدگاه و این آیه چیزی بسان این آیه است که می فرماید: نزل علیك الکتاب بالحق مصدّقاً لما بین یدیه... (۲۳۹)

خدای یکتا این کتاب را در حالی که گواهی کننده مفاهیم و معارف کتاب های آسمانی پیش از خود می باشد،.. به تدریج بر تو فرو فرستاد...

و از دیدگاه برخی دیگر منظور این است که: در قرآن نوشته های ارزشمند و ارجدار و استواری است که انواع و اقسام علوم و دانش ها و بینش ها را در بر دارد، که هر نوع آن بسان کتابی جداگانه است.

آن گاه در نقد عملکرد تفرقه افکنانه و حق ناپذیری آنان می فرماید:

وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ إِلاَّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ

اهل کتاب دستخوش پراکندگی و کشمکش نشدند، مگر پس از آن که دلیلی روشن و پیامبری روشنگر برای آنان آمد.

به باور پاره ای منظور این است که: پیروان کتاب های آسمانی پیشین در مورد پیامبر اسلام و دعوت او دستخوش کشمکش نشدند، مگر پس از آن که از کتاب های آسمانی خود مژده آمدن محمد(ص) را دریافت داشته و دیگر بهانه ای برای حق ناپذیری و اختلاف نداشتند.

امّا به باور پاره ای دیگر منظور این است که: اهل کتاب به خاطر روشنگری پیامبران و کتاب های خود آمدن محمد(ص) در آینده را گواهی نموده و در انتظار آمدنش بودند، امّا پس از بعثت آن حضرت و فرود قرآن،

گروهی بر باور خویش ماندند و ایمان آوردند و گروهی به کشمکش پرداخته و حق را نپذیرفتند و بر آن حضرت کفر ورزیدند.

در آیه بعد در مورد آنچه به آنان فرمان داده شده بود، و از آن انحراف جسته و به شرک و بیداد گراییده بودند، می فرماید:

وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا اللَّهَ

و آنان فرمان نیافته بودند، جز این که خدای یکتا را بپرستند و برای او همتا و شریکی نگیرند و مپندارند.

مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ و پرستش و عبادت او را خالص سازند و به شرک نگرایند و عبادت غیر او را به پرستش ذات بی همتای او نیامیزند.

حُنَفاءَ

و این در حالی باشد که از همه آیین های شرک آلود و خرافی و بیراهه ها دوری جسته و به توحید گرایی و یکتا پرستی و قرآن و پیامبر اسلام ایمان آورند.

به باور «عطیّه»، واژه «حنیف» هرگاه با واژه «مسلم» در کنار هم قرار گیرند و هر دو وصف برای انسانی باشند، در آن صورت منظور کسی است که حج گزارده است؛ امّا اگر تنها به کار رود، به معنی مسلمان و توحید گرا می باشد.

«ابن عباس» نیز واژه «حُنَفاء» را به معنی حاجیان و زائران خانه خدا تفسیر کرده است.

«ابن جبیر» می گوید: عرب به کسی که حج نگزارده و ختنه نکرده است، «حنیف» و یا حقگرا نمی گوید.

امّا «قتاده» می گوید: واژه «حنیف» به معنی ختنه کردن پسران و تحریم ازدواج با دختران، خواهران، مادران، عمه ها و خاله ها و انجام مناسک حج است.

وَ يُقِيمُوا الصَّلاةَ

و نماز را به پا دارند،

وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ

و حقوق

مالی خویش را بپردازند،

وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ

و دین جاودانه ای که از آن سخن رفت، همین است.

به بـاور پاره ای منظوراین است که: دین و آیین درستی که از آن سـخن رفت همین است. امّا به باور پاره ای دیگر، آن دین و آیین کتاب ها و نوشته های ارزشمند آسمانی همین است.

از دیدگاه برخی، آن دین راست و بی انحراف همین است.

اما «نضـر بن شمیل» می گوید: از «خلیل» در مورد آیه پرسیدم که گفت: واژه «قیّمه»، جمع «قیّم» می باشد و واژه «قیّم» و «قائم» به یک معنی هستند و منظور آیه این است که: و دین یکتاگرایان و یکتاپرستان گیتی همین است.

آیه مورد بحث از دو جهت نشانگر پوچی پنـدار جبرگرایان است، چرا که: از سویی روشـنگری می کنـد که بندگان خدا برای پرستش خدای یکتا و توحیدگرایی و دوری از شـرک و بیداد فرمان یافته اند. از دگر سو روشنگری می نماید که در عبادت و پرستش خـدا و سـجده و نماز بایـد اخلاص ورزید و نیت را خالص گردانید؛ و می دانیم که اخلاص ورزیدن در عبادت خدا، در گرو قصد قربت و داشتن طهارت است، و این دو نیز اختیاری هستند و نه جبری.

بهترین و بـدترین آفریـدگان و فرجام عبرت انگیز آنان در این آیات سـخن از دو گروه توحید گرا و حق طلب و در برابر آنان شرک گرا و حق ناپذیر و فرجام کار هر کدام از آن هاست.

نخست می فرماید:

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ فِی نارِ جَهَنَّمَ

بی گمان آن کسانی از اهل کتاب و شرک گرایان که به آیین جدید کفر ورزیده، و یکتایی خدا و رسالت

محمد(ص) را انکار نموده، و در پرستش و عبادت خود، دیگری را همتا و شریک خدای یکتا می پندارند در آتش دوزخند،

خالِدِینَ فِیها

هماره در آتش دوزخ خواهند بود و هرگز از عذاب نجات نخواهند یافت.

أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ

اینان هستند که بدترینِ آفریدگانند.

آن گاه در وصف مردم با ایمان و سرانجام خوش آنان می فرماید:

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ

به یقین آن کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اینان هستند که بهترین آفریدگانند.

آن گاه در مورد پاداش پرشکوه خدا به آنان می افزاید:

جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ

پاداش آنان نزد پروردگارشان بوستان های جاودانه بهشت است که از زیر درختان کاخ ها و سراهای آن، جویبارها روان است.

خالِدِینَ فِیها أَبَداً

در آنجا برای همیشه خواهند بود و خواهند زیست؛

رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ خدا به خاطر درست اندیشی و کارهای شایسته آنان، از آن ها خشنود است،

وَ رَضُوا عَنْهُ

واینان نیز به خاطر پاداش پرشکوه و ارزشمندی که خدا به آنان می دهد از او خشنودند.

به باور پاره ای از مفسران منظور این است که: خدا بدان دلیل از آنان خشنود است که او را به یکتایی و بی همتای خوانده و پرستیده اند و آنچه در خور ذات بی همتای او نیست، به او نسبت نداده و او را پاک و منزه شمرده و در زندگی مقررات او را رعایت نموده اند و آنان نیز بدان دلیل که به بخشایش و رحمت و مهری که از بارگاه او انتظار داشتند، رسیده اند.

ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ این خشنودی و

پاداش برای آن کسی است که از پروردگار خویش بترسد و ضمن رعایت مقررات و انجام فرمان او، از گناه و ستم دوری جوید.

«حاکم حسکانی»، از دانشمندان نامدار اهل سنت با اسناد خویش از امیرمؤمنان آورده است که: پیامبر گرامی در حالی که در واپسین ساعت زندگی اش در این جهان بر سینه من تکیه داشت فرمود:

یا علی أَلم تسمع قول الله: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ؟

علی جان! آیا این سخن خدا را نشنیده ای که می فرماید: آن کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادنده اند، آنان هستند که بهترین آفریدگانند؟ آن گاه فرمود:

هم شیعتک، و موعدی و موعدکم الحوض اذ اجتمعت الأمم للحساب یدعون غرّاً محجّلین.(۲۴۰)

علی جان! این آیه در وصف تو و شیعیان راستین توست. وعده گاه من و شما در کنار حوض کوثر است، و این دیدار هنگامی خواهد بود که تمام جامعه ها و امت ها برای حساب، گرد می آیند؛ آن جا شما را دعوت می کنند در حالی با پیشانی هایی سپید و چهره هایی نورانی، نامدار و سرشناس هستید و مورد احترام.

و نیز از «ابن عباس» آورده است که در تفسیر آیه مورد بحث می گفت: نزلت فی علّی و اهل بیته(۲۴۱) این آیه در وصف علی (ع) و خاندان پرمعنویت او فرود آمد.

پرتوی از سوره مبارکه در آیات روح پرور و الهام بخشی که گذشت به این نکات باید همواره اندیشید و از آن ها درس گرفت.

۱ - از ادعاها و آرزوها تا عملکردها

در آیات این سوره مبارکه به باور گروهی از مفسران، قرآن شریف روشنگری می کند که کفرگرایان و ظالمان بر این ادعا

بودنـد و هماره لاف می زدنـد و گزاف می بافتنـد که اگر دلیل روشن و برهان روشـنگری از سوی خـدا برسـد، آن را خواهند پـذیرفت، و بر اسـاس منطق و خرد و دلیـل و برهـان رفتار خواهنـد کرد؛ امّا آن گاه که قرآن آمـد و پیامبر در پرتو روشن ترین دلیل آنان را به یکتایی خـدا و عـدالت و آزادگی و رعایت حقوق مردم خوانـد، و از سـتم و اسـتبداد باز داشت، زورمـداران و خودکامگان، که منافع باد آورده و بی حساب خود را در وضـعیت موجود می دیدند نتوانسـتند در برابر حق و عدالت سر فرود آورند و حق را بپذیرند؛ به همین جهت آگاهانه و دانسته خود را به بیراهه زدند و آن همه نوید و مژده و انتظار و آروز، ادعا و لاف و گزاف از کار در آمد. راستی که باید به خدا پناه برد که میان شعار و شعور و ادعا و عمل و اسلام و ایمان چقدر فاصله است، و چه مدعیان عدالت و سـینه چاکان آزادی و دینداری و رفتارنبوی و منش علوی که در گذر تاریخ نتوانستند از فرصت های زنـدگی بهره جوینـد و در آزمون دشوار دنیا تباه شدنـد و تباهی ها پدید آوردند و ظلم ها و خشونت ها و سـنگدلی ها و زورگویی هایی ناگفتنی در حق همدین و همنوع و حتی دوست و همسنگر دیروز خود کردند!

۲ – اصول مشترک دعوت های توحیدی قرآن نشانگر این واقعیت است که سـرلوحه دعوت های توحیدی و پیام های آسمانی همانند و مشترک است و همه آن ها به چند اصل، بسیار سفارش کرده اند:

۱ – یکتایی خدا و بی همتایی او.

۲ – اخلاص ورزیدن در قلمرو اندیشه و

باور و نیت و گفتار و عملکرد و دوری گزیدن از فریب و ریا و سوداگری در دین و پرستش او.

۳ - رابطه دوستانه و هماره و بی گسست با او در شبانه روز.

۴ - رعایت حقوق و کرامت و حرمت و آزادی انسان ها.

۵ - به یاد داشتن باز خواست و حساب روز رستاخیز.(۲۴۲)

۳ - برترین پیشوا و شایسته ترین انسان ها

در انبوهی از روایات در مهم ترین منابع پیروان مذهب اهل بیت و نیز در منابع معروف اهل سنت آیه «خیرُ البریه» به امیرمؤمنان و رهروان راستین راه او تفسیر شده است. دو نمونه از این روایات ترسیم شد، اینک یکی چند روایت دیگر را می نگریم و می گذریم:

۱ - «ابوبرزه» آورده است که پیامبر گرامی این آیه را تلاوت کرد که:

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ...

آن گاه فرمود: هم انت و شیعتک یا علی! و میعاد مابینی و بینک الحوض.(۲۴۳)

علی جان! منظور از اینان، تو هستی و رهروان راستین راه تو، و وعده دیدار من با شما کنار حوض کوثر خواهد بود.

۲ - «جابر انصاری» آورده است که: ما، در کنار خانه خدا، در حضور پیامبر نشسته بودیم که علی (ع) به سوی ما آمد. هنگامی که چشم پیامبر به او افتاد، فرمود: برادرم به سوی شما آمد قداتاکم اخی آن گاه رو به خانه خدا نمود و فرمود:

و ربّ هذه البنیه، انّ هذا و شیعته هم الفائزون یوم القیامه.

به خدای این خانه سوگند که این مرد و رهروان راستین راه او در قیامت کامیابان واقعی هستند. سپس رو به ما نمود و

افزود:

اما و اللّه انّه اولکم ایماناً باللّه، واقومکم بامرالله، و اوفاکم بعهدالله، و اقضاکم بحکم اللّه، و اقسمکم بالسوّیه، و اعدلکم فی الرعیّه، و اعظمکم عنداللّه مزیه.

به خدای سوگند که او پیش از همه شما ایمان آورد، و بیشتر از همه برای انجام فرمان خدا به پاخاست، و در عهد و پیمان ها با خدا وفادارترین شماست، و از همه دقیق تر و بهتر بر اساس مقررات خدا داوری می کند، و تساوی طلبی و تقسیم عادلانه اش افزونتر است، و دادگری و عدالت اش در جامعه بیشتر؛ و دربارگاه خدا از همه پرشکوه تر و سرفرازتر است.

درست در این هنگام بود که فرشته وحی فرود آمد و این آیه را بر پیامبر آورد که:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ...أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ

پس از این رویداد هرگاه علی می آمد، یاران محمد(ص) می گفتند بهترین آفریده خدا پس از پیامبر آمد.

فکان علی اذا اقبل، قال اصحاب محمد(ص): قد اتاکم خیر البریه بعد رسول الله.(۲۴۴)

۳ - و نیز آورده اند که پس از فرود آیه مورد بحث، پیامبر رو به علی(ع) نمود و فرمود:

هو انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیین.(۲۴۵)

علی جان! این تو هستی و رهروان راستین راه تو، که در قیامت هم شما از خدا خشنود هستید و هم ذات بی همتای او از شما.

گفتنی است که پاره ای از روایات رسیده در تفسیر آیه با این بیان مفهوم و مضمون را دانشمندان نامدار اهل سنت، «ابن حجر»(۲۴۶) «شبلخی»(۲۴۷) «سیوطی» در کتاب های خود آورده اند که تنها فراتر از سی روایت «حاکم» حسکانی در این مورد آورده است.(۲۴۸)

بار خدایا ما را از دوستداران و شیعیان راستین او قرار

ده.

تفسیر اطیب البیان

سوره بینه ، غرض سوره :اثبات رسالت پیامبر ص برای عوام از اهل کتاب و مشرکین وبیان عمومیت رسالت آنحضرت برای همه ابناء بشر و توضیح اینکه دعوت آنحضرت متضمن صلاح جامعه انسانی است و عقاید اعمال و آنها را اصلاح می سازد.

(۱) (لم یکن الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین منفکین حتی تاتیهم البینه):(به هیچ وجه کفار و مشرکین و اهل کتاب رها نخواهند شد، تا وقتی که حجت نبوت خاتم الانبیاء و حقیقت دعوتش بر آنان تمام شود)

(۲) (رسول من الله یتلوا صحفا مطهره):(رسولی از ناحیه خدا که صحیفه هایی منزه از باطل را بر آنان تلاوت کند)

(۳) (فیها کتب قیمه):(که در آن صحیفه ها کتابهای ارزشمندی هست)می فرماید: خداوند کافران به دعوت نبوت رسولخدا ص من جلمه اهل کتابی که بااعتقاد به الوهیت مسیح و مریم یا بنوت او، یا بنوت عزیر کافر شدند و مشرکینی که به عبادت بتها و آلهه و ارباب اشتغال داشتند، را رها نخواهد کرد تا آنکه دلیل روشن که همان رسولخدا ص است ، برای آنان بیاید، یعنی سنت هدایت الهی ادامه دارد و خدادست از هدایت آنها بر نمی دارد تا وقتی که حجت بر آنها تمام شود و خودشان یقین بیابند که حضرت محمدص فرستاده خداست ، هر چند که از روی لجاج و عناد به اوکفر بورزند.آنگاه به شرح آن بینه می پردازد و می فرماید: آن حجت و بینه روشنی که از ناحیه خدا برای آنان آمده ، رسولی از جانب خداست که برای مردم صحف آسمانی پاک ومنزه از باطل و دسترسی شیاطین را می خواند

و آن صحف حاوی احکام و عقایدی ارزشمند هستند که قائم به امر مجتمع انسانی و اداره کننده آن و حافظ مصالح جامعه می باشند.

(۴) (و ما تفرق الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءتهم البینه):(و اهل کتاب از مسلمین جدا و متفرق نگشتند، مگر بعد از اینکه حجت و بینه برایشان بیامد)منظور از آمدن بینه برای کفار، همان بیانات کتب انبیاء گذشته و یا سخنان خود انبیاءدر توضیح و تفسیر بیان الهی ، است .و (الذین اوتوا الکتاب)شامل همه ابناء بشر می گردد، اعم از اهل کتاب و یا مشرکین ،چون کتب آسمانی برای هدایت عموم مردم نازل شده اند، در واقع این آیه شریفه می خواهد بفرماید اختلاف و تفرقه ای که مردم در امر دین به راه انداختند، بعد از ارسال پیامبر و کتاب آسمانی و پس از اتمام حجت برایشان بوده است ، همچنانکه در جای دیگر می فرماید:(و مااختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیابینهم (۴۵) اهل کتاب اختلاف نکردند، مگر بعد از آنکه علم و حجت قطعی برایشان بیامد، ولی به جهت دشمنی بین خودشان آن را نپذیرفتند)

(۵) (و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤتواالزکوه و ذ لک دین القیمه): (با اینکه رسالت این رسول جز این نبود که به مشرکین واهل کتاب بفهماند از طرف خدا مأمورند الله را به عنوان یگانه معبود بپرستند و چیزی راشریک او نسازندونماز را بپا داشته ، زکات را بدهند و دین قیم هم همین است)یعنی رسالت رسول اسلام ص و کتابهای آسمانی ، این کفار

اهل کتاب و مشرکین راامر نمی کند، مگر به عبادت خدای تعالی ، آنهم به نحو خالصانه ، که به هیچ وجه چیزی را شریک او نگیرند و در حد وسط و اعتدال بوده و به جانب افراط و تفریط مایل نشوند، آنگاه در مقام ذکر خاص بعد از عام ، به دو مسأله نماز و زکات اشاره می کند که نماز، توجه عبودی خالصانه بسوی پروردگار است و زکات انفاق به خلق خدا در راه خداست که آنهم از ایمان به خدا نشأت می گیرد.در ادامه می فرماید: این همان دین ارزشمند کتب قیمه است ، یعنی این دین اسلام ودعوت محمدی ، دینی نوظهور و بی سابقه نیست و دین خدا همواره یکی بوده و در همه کتابهای آسمانی همین معانی مطرح بوده است و امتهای قبلی نیز به این تکالیف عبادی مکلف بوده اند، پس بناچار باید به آن بگروند، چون قیم و ارزشمند است و شاید هم مراد از (کتب قیمه) معارفی باشد که رسولخدا ص آن را از صحف مطهره برای آنان خوانده که در این صورت معنا این است که مردم در دعوت اسلامی مأمور نشده اند، جزبه احکام و قوانین قیم و ارزشمندی که مصالح جامعه انسانی را تأمین می کند، پس برمردم واجب است که به این دین ایمان بیاورند.با این آیه ، بیان عمومیت رسالت پیامبر ص و شمول و فراگیری دعوت اسلامی برعموم بشر، تکمیل می شود.

(۶) (ان الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم خالدین فیهااولئک هم شر البریه):(بدرستی که از اهل کتاب و مشرکین کسانیکه کافر شده اند درآتش

جهنم خواهند بود و در آن جاودان هستند، آنها بدترین خلق خدا می باشند) در اینجا به تهدید و انذار کفاری می پردازد که به این رسالت و بینه آشکار، کافرشده اند و از سنت هدایت الهی در ارسال دین قیم ، بهره نگرفته و اعراض کرده اند،می فرماید: این کفار چه از اهل کتاب باشند و چه از مشرکین ، در آتش جهنم ،جاودانه خواهند بود و بدترین خلق خدا هستند، چون نعمت هدایت را که بالاترین نعمات الهی است کفران کرده اند.

(۷) (ان الذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه):(بدرستی کسانیکه ایمان آورده و اعمال صالح بجا آورده اند، ایشان بهترین خلق خدایند)

(۸) (جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدارضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک لمن خشی ربه): (پاداش آنان در نزد پروردگارشان بهشتهای جاویدی است که نهرها در دامنه آن روان است و در آن تا ابد خواهند بود، هم خدا از ایشان راضیست و هم آنها از خدا راضی هستند، این عاقبت کسی است که ازپروردگارش خشیت داشته باشد)این آیات در مقام بشارت و وعده به مؤمنان است ، می فرماید: مؤمنانی که اعمال صالح بجا آوردند، بهترین خلق خدا هستند(۴۶)، یعنی خیریت منحصر در مؤمنان است ،آنگاه به شرح عاقبت ایشان می پردازد و می فرماید: جزای آنها در نزد پروردگارشان بهشتهای خالد و جاودانه است که نهرها در زیر درختان آن جاریست و این مؤمنان تا ابددر آن جاودانه خواهند بود و هیچ زوال و دگرگونی در نعمات آنها نخواهد بود.در ادامه می فرماید: خدا از ایشان راضیست ، رضایت

از صـفات فعلی خداست ومصداق آن همان ثوابیست که به ایشان اعطامی کند تاجزای ایمان واعمال صالحشان باشد،از جانب دیگر آنها هم از خدا راضـی هسـتند، چون به نعم و سـعادت ابدی رسـیده اند،آنگاه می فرماید: این عاقبت و سرنوشت کسانی است که از پروردگارشان می ترسـند،یعنی علامت بهترین خلق خـدا و کسانیکه به بهشت عدن نایل می شوند، همین است که ازمقام پروردگارشان خشـیت دارنـد و از آنجا که در جای دیگر فرموده :(انما یخشـی الله من عباده العلماء فقط بندگان عالم از خدا می ترسند)، معلوم می شود،علم به خدا خشیت از او را به دنبال دارد و خشیت خدا هم ایمان به او را در پی خواهد داشت ، لذا فردی که از خدا می ترسد، قهرا در باطنش ملتزم به ربوبیت و الوهیت اوست و در ظاهر هم ،اعمالش صالح و مطابق اوامر الهی می باشد .

تفسیر نور

«بیّنه» به معنای دلیل روشن است که به واسطه آن حق از باطل آشکار گردد.

«قیّمه» به معنـای مسـتقیم، محکم، ارزشـمند و گرانبهاست. «قیّم» به کسـی گوینـد که دلسوز است و به مصالـح دیگران قیام می کند. حرف تاء در کلمه «قیمه» برای مبالغه است نظیر علاّمه، نه تأنیث.

این آیه را دو گونه تفسیر کرده اند: طبق یک تفسیر سخن از بی وفائی و عدم صداقت اهل کتاب و مشرکان است و در تفسیر دیگر سخن از اتمام حجت برای آنان است.

ادعای کفار این بود که تا دلیل روشـنی به ما نرسد، در راه خود باقی هستیم، ولی بعد از آن که دلیل روشـنی رسید، باز هم در راه خود باقی ماندند و جز عده ای ایمان نیاوردند. شبیه

این مضمون، در آیه ۸۹ سوره بقره آمده است که قبل از ظهور اسلام در انتظار آمدن پیامبر

دیدی بودند و به خود نوید می دادند ولی <<فلما جائهم ما عرفوا کفروا>> همین که آمد برای آنان چیزی را که می شناختند نپذیرفتند.

«صُحُف» جمع «صحیفه» است. گویا هر بخش از کتاب آسمانی به تنهایی صحیفه ای است. تورات یک کتاب است ولی قرآن در باره آن می فرماید: <<صحف ابراهیم و موسی>><۹۷۷>

۱- بدون دلیل روشن انتظار نداشته باشید که مردم دست از عقیده و راه خود بردارند. <<لم یکن... منفکّین حتی تأتیهم البیّنه>>

۲- در اتمام حجّت، کفّار و مشرکین از یکدیگر جدا نیستند. خداوند برای همه مردم، چه کفّار و چه مشرکین، با فرستادن بیّنه، اتمام حجّت می کند. <<تأتیهم البیّنه>>

۳- از اهل کتاب توقع بیشتری است. (با اینکه در آیه اول سخن از اهل کتاب و مشرکین بود ولی در آیات بعد انتقاد تنها از اهل کتاب است.) <<و ما تفرّق الّذین اوتوا الکتاب>>

۴- اتمام حجت خداوند از طریق پیامبری آسمانی و کتاب پاک است. <<رسول... یتلوا صُحُفًا مطهّره>>

۵ - قرآن از هر خطا و انحراف و لغو و باطل وتحریف دور است. <<صحفاً مطهّره>>

۶- در قرآن، دستورات قوام بخش است.<۹۷۸> <<فیها کتب قیمه>>

۷- قرآن هم خود کتابی معتدل و دور از اعوجاج است ۹۷۹> و هم سبب اعتدال و قوام جامعه است.<۹۸۰> <<قیّمه>>

۸ - با وجود هوای نفس، علم و دانش مشکل گشا نیست. اهل کتاب حق را به روشنی فهمیدند ولی به خاطر هواهای نفسانی، دست خوش تفرقه شدند. <<و ما تفرّق الّذین اوتوا الکتاب...>>

«حنفاء» جمع «حَنیف» به معنای گرایش به حق است، در برابر کلمه «جَنیف» که به معنای

گرایش به باطل است.

اگر آیه <<ذلک دین القیمه>> را در کنار آیه <<فاقم وجهک للدّین حنیفاً فطره اللّه>><۹۸۱> بگذاریم می توان استفاده کرد که عبادت خالص و بی پیرایه و رابطه با خدا (نماز) و کمک به دیگران (زکات)، از امور فطری هر انسانی است.

۱- سلیقه ها و هوسهای دیگران متغیّر است. دین پایدار و ثابت، سرسپردگی خالصانه به خدای ثابت است. <<مخلصین له الدین... ذلک دین القیّمه>>

۲- ایمان بدون نماز و زکات استوار نیست. <<یقیموا الصلوه و یؤتوا الزکاه و ذلک دین القیمه>>

۳- توجه به سابقه لجاجت ها و تفرقه ها، سبب تسلّی پیامبر و پیروان است. <<و ما تفرّق الّذین... الاّ من بعد ما جاءتهم البینه>>

۴- توحید و پرستش خالصانه خداوند، عامل وحدت است. <<و ما تفرق الّذین اوتوا الکتاب... و ما امروا الاّ لیعبدوا اللّه>>

۵ - پیامبران، مردم را به سوی خدا دعوت می کردند نه خود. <<و ما امروا الاّ لیعبدوا اللّه>>

۶- خالص و بی پیرایه بودن، رمز بقاء است. <<مخلصین... ذلک دین القیمه>>

۷- فرمان توحید و نماز و زکات در تمام ادیان آسمانی بوده است. <<و ما امروا الاّ لیعبدوا اللّه...>>

کلمه «بَریّه» یا از «بَری به معنای خاک و مراد از آن تمام خاکیان از جمله بشر است و یا از «بَرَءَ» به معنای خلق است و «بَریّه» بر وزن فعیله به معنای مفعوله یعنی مخلوقات است.

در روایاتی از شیعه و سنی نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به علیّ بن ابیطالب فرمودند: تو و یاران تو خیر البریّه هستید.<۹۸۲>

مشابه این آیه، در جای دیگر قرآن چنین آمده است: <<انّ شرّ الدّوابّ عند اللّه الصُمّ البُکم الّذین لایعقلون>><۹۸۳>

دلیل بدترین بودن انسان آن است

که رسول و کتاب به سراغش آمده و او حقیقت را می فهمد ولی به خاطر غرور و تکبر لجاجت می کند. <<کفروا من اهل الکتاب... هم شرّ البریّه>>

۱- کسی که اسلام را نپذیرد، خواه مشرک باشد، خواه اهل کتاب، کافر است. <<انّ الّذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین>>

۲- سرنوشت اهل کتاب و مشرکان یکی است. <<اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم>>

۳- گل سر سبد هستی یعنی انسان، به خاطر پشت پا زدن به منطق و بیّنه، بدترین مخلوقات می شود. <<شرّ البریّه>>

۴- انسان با انتخاب خود جایگاه خود را تعیین می کند، یا شرّ البریّه و جهنمی، یا خیر البریّه و بهشتی. <<کفروا... شرّ البریّه... آمنوا... خیر البریّه>>

۵ - مقایسه میان کفر و ایمان و پایان کار آنان، بهترین نوع روشنگری است. <<شرّ البریّه - خیر البریّه>>

۶- رشد یا سقوط دیگر موجودات، محدود است ولی رشد و سقوط انسان، بی نهایت است. <<شرّ البریّه - خیر البریّه>> (انسان در اثر ایمان و عمل صالح می تواند حتی از فرشتگان برتر باشد.)

۷- بهترین شدن در گرو ایمان است و بدترین ها اهل کفرند. (در کلمه «هُم» معنای انحصار است) <<اولئک هم شرّ البریّه... هم خیر البریّه>>

۸ - ایمان به شرطی ثمربخش است که همراه با عمل صالح باشد <<امنوا و عملوا الصالحات>> (ولی کفر به تنهایی سبب دوزخ است.)

در آیات قبل برای اهل دوزخ فرمود: <<خالدین فیها>> ولی در این آیه برای بهشتیان علاوه بر <<خالدین فیها>> کلمه <<ابداً>> را اضافه کرد که نشانه و جلوه رحمت اوست.

«خَشیت» به آن خوفی گفته می شود که بر اساس تعظیم و عظمت باشد.

این آیه می فرماید: بهشت مخصوص اهل خشیت است. <<ذلک لمن

خشی ربه>> و آیه ای دیگر می فرماید: اهل خشیت تنها علما اهل خشیت هستند: <<انّما یخشی اللّه من عباده العلماء>> <۹۸۴> پس بهشت مخصوص علما است. از طرفی می دانیم که تمام علما و دانشمندان اهل بهشت نیستند

زیرا قرآن بسیار از دوزخیان را کسانی می داند که بعد از علم گمراه شدند: <<اضلّه اللّه علی علم>> و همچنین تمام بی سوادان دوزخی نیستند، پس آن علمی که سبب خشیت می شود این علم اصطلاحی نیست، بلکه مراد یک فهم طبیعی و الهی است که سبب نورانیّت دل شود.

۱- بهشت جسم، باغ و نهر و بهشت روح، رضای خداوند است. <<جنّات عدن... رضی اللّه عنهم>>

۲- خشیت الهی، سرچشمه عمل به دستورات الهی است. <<آمنوا و عملوا الصالحات... جزاؤهم... جنّات... ذلک لمن خشی ربّه>>

۳- جاودانگی بهشت برای مؤمنان قطعی است. (کلمات «عدن»، «خالدین» و «ابداً» همه بیانگر قطعی بودن خلود است.) <<جنّات عدن... خالدین فیها ابداً>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

The people of the book referred to are the Jews and the Christians who were freed from their false beliefs when the Holy Prophet, whose advent was clearly foretold in the Tawrat and the Injil, brought the final book of Allah, the Quran, in this world. See commentary of Baqarah: ۴۰, ۸۹, ۲۵۳ for the promised prophet in the Old and New Testaments.

The people of the book strayed from the true teachings of Musa and Isa and followed devious ways and false notions. The polytheists and the pagans did not believe in any scripture. When the Holy Prophet came with clear evidence (his life, his character and his teachings) to them, all of them had

.an opportunity to believe in Allah and follow His religion, Islam

The Holy Prophet was sent to mankind with the pure and holy word of Allah. Refer to the commentary of Baqarah: ۱۵۱; Ha Mim: ۴۱, ۴۲; Waqi-ah: ۷۷ to ۸۰. The Quran is an inviolate book. It is a revelation from the all-wise Lord. Falsehood cannot enter it from .any side

Qayyimmah means straight, definite, permanent as opposed to crooked and transitory. See Bara-at: ۳۶ and Yusuf: ۴۰. Through the Quran Allah has revealed the .supreme law to be followed by mankind for ever

It confirms the law given to the prophets of Allah from Adam to Musa and Isa; and with decisive additions and amendments serves the purpose of regulating the .individual and collective behaviours of man in all times till the day of judgement

Refer to the commentary of Ali Imran: ۱۹ and Nisa: ۱۶۳ to ۱۶۵. The people of the book were in a better position than the pagans to recognise the truth of Islam, because they had been prepared for the standard and eternal religion of Allah by the revelations sent down on their prophets; but, when the clear evidence came in the .person and message of the Holy Prophet, they resisted it and belied it

The Jews and the Christians were commanded through their scriptures to worship .Allah, sincerely devoted only to Him

Aqa Mahdi Puya says: Verse ۳۶ of Nahl says: "Worship Allah, and keep away from all other (false) idols". So man has been ordered to worship Allah alone. It may also be

interpreted that the purpose of command is to enable man to obey as well as to test his readiness and willingness to obey as stated in verse ١٤٣ of Baqarah in connection .with the change of Qiblah

.In carrying out the divine orders, niyyat (motive) is very important

Submission to the will of Allah and service to mankind is dinul qayyimmah (the right .(religion

To reject truth and belie the truthful is the worst sin a creature, endowed with the ability to discriminate between right and wrong and to use his free will, can commit. Therefore it will necessarily bring its own punishment, because such a person is the .worst of creatures

Hafiz Abu Nu-aym, in Hilyatul Awliya, reports on the authority of Ibn Abbas that when :verse ٧ was revealed the Holy Prophet said

".O Ali, you and your followers will be in paradise"

Ibn Asakir narrates from Abu Sa-id Khudri that khayrul bariyyah refers to Ali. Haskani narrates from "Maqatul Ibn Sulayman", one of the earliest commentators of the :Quran, that Ibn Abbas said

".Khayrul bariyyah was revealed for Ali and his family"

:Haskani; in Shawahidut Tanzil, narrates that the Holy Prophet said

O Ali, khayrrul bariyyah is your shi-ah (follower). I will meet your shi-ahs on the" cistern of kawthar when all the people will be gathered together for the final ".reckoning. Your followers will be called ghurral mahajjalin

(see commentary for verse ٧)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹